

سیاست جنایی ایران و اردن در قبال بزهکاری اطفال و نوجوانان

چکیده

بزهکاری اطفال و نوجوانان یکی از مهم‌ترین معضلات حقوقی و اجتماعی جوامع امروزی به‌شمار می‌آید که مقابله با آن مستلزم سیاست جنایی افتراقی، تخصصی و مبتنی بر مصلحت کودک است. این پژوهش با رویکرد تطبیقی و روش توصیفی-تحلیلی، سیاست جنایی دو کشور ایران و اردن، را در قبال بزهکاری اطفال و نوجوانان مورد بررسی قرار می‌دهد. دو کشوری که در این حوزه از پیشینه‌ای نسبتاً طولانی برخوردار بوده و طی سالیان گذشته گام‌هایی مستمر و موثر در جهت افتراقی‌سازی سیاست جنایی اطفال و نوجوانان برداشته‌اند. دلیل گزینش اردن در این پژوهش، پیشینه برجسته این کشور در تدوین سیاست‌های جنایی افتراقی در حوزه اطفال، و همچنین هم‌زمانی نسبی آغاز این روند با ایران است. سؤال اصلی این پژوهش آن است که، آیا این دو کشور تا به امروز، توانسته‌اند به الگویی مطلوب و موثر در عدالت کیفری کودکان نزدیک شوند؟ وجوه اشتراک و افتراق آن‌ها در سیاست‌گذاری جنایی اطفال و نوجوانان چیست و چه چالش‌هایی در تقنین و اجرا قابل شناسایی است؟ یافته‌ها نشان می‌دهد که اگرچه هر دو کشور در سال‌های گذشته و دهه‌های اخیر گام‌هایی در جهت گذار از سیاست‌های صرفاً کیفری و مبتنی بر سرکوب به سوی رویکردهای بازپرورانه، اصلاح‌محور و تربیتی در قبال اطفال و نوجوانان بزهکار برداشته‌اند و یک سیاست جنایی افتراقی و تخفیفی درپیش گرفته‌اند اما با این وجود هنوز چالش‌ها و کاستی‌هایی هم در حوزه تقنین و هم در حوزه اجرا مشهود است. در ایران واکنش‌ها علیه جرائم اطفال و نوجوانان مبتنی بر متغییر نوع جرم (حد، قصاص، دیه یا تعزیر) و در تعزیرات نیز مبتنی بر رده سنی مرتکب جرم (از ۹ سال تا ۱۸ سال) می‌باشد اما در اردن این واکنش صرفاً مبتنی بر رده سنی و به دو دسته اصلی (مواد ۲۵ و ۲۶) و جایگزین (ماده ۲۴) تقسیم شده است. همچنین این پژوهش با ارائه پیشنهاداتی نظیر توجه به جایگاه عدالت ترمیمی و بازنگری در برخی مواد قانونی و همچنین احتراز از ابهام‌گویی و افزایش راهبردهای پیشگیرانه بر اهمیت اصلاح سیاست جنایی ایران و اردن در قبال اطفال بزهکار تأکید دارد.

کلیدواژگان: بزهکاری اطفال، سیاست جنایی اطفال، عدالت ترمیمی، اقدامات تأمینی و تربیتی، مجازات

مقدمه

بزهکاری یک پدیده زیستی، اجتماعی و روانی است که برای پیشگیری از آن، اتخاذ تدابیر همه جانبه از سوی جامعه امری اجتناب ناپذیر و ضروری می باشد و این امر در مورد اطفال و نوجوانان که به لحاظ وضعیت خاص روحی و جسمی، علاوه بر اعمال تدابیر و اقدامات پیشگیرانه افتراقی، نیازمند یک رویکرد گسترده تر و کلان می باشند، بایستی مقدم بر بزرگسالان قرار گیرد (عباچی، ۱۳۸۸؛ ۱۶). همچنین باید افزود که معضل بزهکاری اطفال و نوجوانان عوامل و ابعاد گوناگونی دارد و از منطقه به منطقه دیگر و از کشوری به کشور دیگر متفاوت است. در جهان عرب نیز مشکل بزهکاری کودکان و نوجوانان از کشوری به کشور دیگر تفاوت دارد. در کشورهای عربی که اقتصاد شکوفایی دارند، بزهکاری ممکن است در ارتباط با مهاجرانی باشد که به دنبال کار هستند و یا با ناهمگنی جمعیت ثروتمند و تحولات سریع اقتصادی ارتباط داشته باشد. در مقابل، در کشورهای عربی که درگیر جنگ بوده و با بحران‌های اقتصادی و معیشتی دست و پنجه نرم می کنند، احتمال وقوع جرایمی نظیر سرقت، تخریب، نزاع و رفتارهای اوپاش گرانه از سوی اطفال و نوجوانان، بیشتر است. در کل، مسئله بزهکاری اطفال و نوجوانان، از جمله مسائل بغرنج و معضلات اجتماعی است که دنیای امروز شدیداً به خود مشغول داشته است. بیش از یک قرن پیش، یعنی از اواخر قرن نوزدهم، ارتکاب جرم و جنایت از ناحیه کودکان و نوجوانان، در کشورهای بزرگ و صنعتی جلب توجه نموده است. از آن دوران تاکنون در کشورهای مختلف جهان، اکثریت محققین، جامعه شناسان، جرم شناسان، روانشناسان، روانپزشکان و متخصصین تعلیم و تربیت برای یافتن راهکاری جهت پیشگیری از بروز تبهکاری در میان جوانان و نوجوانان جهان، در تلاش و تکاپو بوده اند و در حال حاضر، در مطبوعات اکثر کشورهای جهان، مسئله بزهکاری خردسالان و لزوم پیشگیری از آن به صورت بحث روز درآمده است (صلاحی، ۱۳۸۹؛ ۱۸). در این میان انتخاب کشور اردن به عنوان نمونه تطبیقی در این پژوهش، به جهت سابقه نسبتاً طولانی این کشور در حوزه سیاست گذاری جنایی اطفال و نوجوانان باز می گردد. اردن از جمله کشورهای مسلمان عرب زبان محسوب می شود که با همکاری نهادهای بین المللی از جمله یونسف، سیاست جنایی نسبتاً پیشرفته تری در حوزه بزهکاری اطفال و نوجوانان اتخاذ کرده است. تصویب «قانون بزهکاری نوجوانان (قانون الأحداث)» در سال ۱۹۶۸ که جزو نخستین قوانین خاص ناظر بر عدالت کیفری اطفال در جهان عرب محسوب می شود، نشان دهنده جایگاه پیشگام این کشور در این زمینه می باشد (محمدطوباسی، ۲۰۱۵؛ ۱۲). افزون بر آن، اردن جزو نخستین کشورهای عربی مسلمان (بعد از مصر) است که دادگاه‌های تخصصی اطفال را تأسیس کرد و به موازات آن، مکانیسم‌های جایگزین حبس، اقدامات بازپرورانه و تربیتی را در دستور کار قرار داده

است (همان، ۲۰). همچنین، اردن در سال ۱۹۹۰ با امضا کنوانسیون حقوق کودک و پیوستن به آن^۱، باز هم جزو نخستین کشورهای عربی بود که تعهدات بین‌المللی خود را در این زمینه پذیرفته و با انجام اصلاحات تدریجی، نظام عدالت اطفال خود را با موازین بین‌المللی همسو ساخته است. این عوامل، اردن را به گزینه‌ای مناسب برای مطالعه تطبیقی در زمینه سیاست جنایی اطفال در میان کشورهای اسلامی تبدیل کرده‌اند. با توجه به این مطالب و اهمیت این موضوع که بزهکاری اطفال و نوجوانان یکی از مهم‌ترین آسیب‌ها و معضلات اجتماعی جوامع امروزی مخصوصاً در کشورهای در حال توسعه است، پرسش اصلی این پژوهش آن است که؛ با وجود آنکه ایران و اردن هر دو دارای سابقه‌ای نسبتاً طولانی در حوزه سیاست جنایی افتراقی اطفال و نوجوانان هستند- و ایران حتی کمی زودتر از اردن (تقریباً ۱۰ سال) در این مسیر گام نهاده است- آیا سیاست جنایی این دو کشور در وضعیت کنونی توانسته است به الگوی مطلوب و موثر در حوزه عدالت کیفری کودکان دست یابد و یا دست کم نزدیک شود؟ وجوه اشتراک و افتراق سیاست جنایی این دو در چیست و چه کاستی‌ها و چالش‌هایی در تقنین و اجرا مشهود است؟ هدف این تحقیق، آشنایی و شناسایی وجوه افتراق و اشتراک سیاست جنایی این دو کشور در مواجهه با بزهکاری کودکان، تحلیل نقاط ضعف موجود در سیاست جنایی و مواد قانونی ایران و ارائه پیشنهاداتی برای بهبود این سیاست بر اساس یافته‌های تطبیقی این پژوهش است. همچنین این پژوهش بر آن است تا با تحلیل تطبیقی، امکان بهره‌گیری از تجربیات مثبت و منفی هر دو کشور را، در زمینه عدالت کیفری اطفال و نوجوانان نمایان سازد و بر خلأهای قانونی و نهادی موجود در زمینه بزهکاری اطفال و نوجوانان تأکید ورزد. لازم به ذکر است که هرچند کشورهای نظیر مصر نیز، از جمله پیشگامان در عرصه سیاست‌گذاری جنایی اطفال در جهان عرب و در بین کشورهای اسلامی به شمار می‌روند و تجربیات ارزشمندی در این زمینه دارند، اما به دلیل وجود مطالعات متعدد، مقالات علمی و پایان‌نامه‌های گوناگون در این زمینه پرداختن مجدد به آن از منظر تطبیقی، از نظر نگارنده ضرورتی نداشت اما در مقابل، سیاست جنایی اردن با وجود سابقه قابل توجه در حوزه عدالت کیفری اطفال، کمتر در ادبیات علمی مورد توجه قرار گرفته و بررسی شده است و از این رو مستعد پژوهش و تحلیل تطبیقی بیشتری می‌باشد.

۱- مفهوم شناسی

برای ورود به هر بحث و موضوعی، شناخت دقیق و آشنایی کامل با مفاهیم اصلی آن ضروری است. مفاهیم کلیدی به عنوان بنیان‌های نظری و چارچوب فکری پژوهش، مسیر تحلیل و استدلال را تعیین می‌کنند. بدون درک صحیح این مفاهیم، امکان تحلیل دقیق و نتیجه‌گیری معتبر کاهش یافته و ناممکن می‌شود. بنابراین، در گام نخست باید تعاریف، ابعاد و تفاوت‌های مفهومی مرتبط به صورت شفاف مورد بررسی قرار گیرد تا زمینه‌ای مستحکم برای ادامه پژوهش فراهم شود؛

۱-۱- سیاست جنایی

پیدایش اصطلاح سیاست جنایی توسط فوئر باخ، حقوقدان آلمانی، در پایان قرن ۱۸، به حکمت‌گرایی در برخورد با جرم مربوط بوده و زائیده آن است (لازرز، ۱۳۸۸؛ ۱۲). اولین کاربردهای سیاست جنایی در معنایی معادل حقوق کیفری یا

1- United Nations Treaty Collection. (n.d.). *Convention on the Rights of the Child*. Retrieved July 11, 2025

سیاست کیفری که مبتنی بر جرم و مجازات می باشد، بوده است (حسینی، ۱۳۹۹؛ ۲۵). فوئر باخ نیز همین کاربرد سیاست جنایی و مفهوم مضیقی از این اصطلاح را مدنظر قرار داده است. او در تعریف خود تنها به ابزار قهرآمیز و تنبیهی اشاره دارد که نظام کیفری برای مقابله با مجرمان در اختیار دارد. از سوی دیگر این وظیفه تنها به عهده دولت نهاده شده و تامین امنیت را از وظایف خاص دولت به شمار آورده است. همچنین او، تنها به مبارزه علیه جرم (که در قانون جرم انگاری شده و برای آن مجازات تعیین شده) پرداخته است و به انحرافات اجتماعی توجهی نکرده است (همان؛ ۲۶). اما در مقابل، عده ای از اندیشمندان، تفسیر موسعی از سیاست جنایی ارائه داده اند که علاوه بر حقوق کیفری و سایر نظام های حقوقی، نظام جامعه (مردم و سازمان های غیردولتی) را نیز در مبارزه با جرم و پیشگیری از آن، سهیم می دانند. یکی از این اندیشمندان، خانم مری دیلماس مارتی می باشد که در تعریف خود از سیاست جنایی بیان می دارد که؛ سیاست جنایی، مجموعه روش هایی است که هیئت اجتماع با استفاده از آن ها، پاسخ به پدیده مجرمانه را سامان می بخشد (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۶؛ ۱۱). امروزه با توجه به تعاریف موسع ارائه شده از سیاست جنایی می توان گفت که؛ اولاً سیاست جنایی، علاوه بر تبیین جرم و مجازات، محدوده پیشگیری، درمان، اصلاح و حتی ماقبل پیشگیری از جرم را نیز در برمی گیرد. ثانیاً سیاست جنایی تنها محدود به دولت نیست و سایر نهادهای غیردولتی و مردم را نیز در برمی گیرد؛ ثالثاً سیاست جنایی مجموعه ای گسترده از اقدامات متفاوت است نه یک اقدام و یک تدبیر. در نهایت برای ارائه یک تعریف جامع که در بردارنده تمام ویژگی های سیاست جنایی باشد و آن را محدود نکند می توان گفت؛ سیاست جنایی مجموعه ای از جهت گیری ها و اقدامات متفاوت دولت، نهادهای غیردولتی و مردم در مهار بزهکاری است که علاوه بر مبارزه با جرم و توجه به مجازات ها و اصلاح مجرمین، مرحله پیشگیری و حتی ماقبل آن را نیز در بر می گیرد.

۱-۲- بزهکاری

بزه به معنای گناه، خطا و جرم است و بزهکار در لغت به معنای گناهکار و خطاکار آمده است (عباسی، ۱۳۹۴؛ ۵۲). در نگرش حقوقی، بزه تخطی از نظام هنجاری جامعه می باشد که از طریق قانون مجازات می تواند قابل پیگیری باشد. در واقع بزهکاری نوعی کج روی و هنجارشکنی است و نسبت به مفهوم جرم، گستره معنایی وسیع تری را شامل می شود (معظمی، ۱۴۰۱؛ ۶۷). در تعریف دیگری از بزهکاری می توان گفت که، بزهکاری مجموعه جرائمی است که در یک زمان و مکان معین به وقوع می پیوندد (پیکا، ۱۳۹۳؛ ۶۳). در کشور ما بزهکاری به مجموعه جرائمی گفته می شود که در صورت ارتکاب به موجب قوانین قصاص، دیات، حدود و تعزیرات دارای مجازات هستند (پیکا، ۱۳۹۳؛ ۱۱). گروهی کلمه بزهکاری را در مورد نوع خاصی از رفتار که از اطفال و نوجوانان سر می زند به کار می برند. مثلاً آن را ترک انجام وظیفه قانونی و یا ارتکاب عمل خطایی که الزاماً عنوان جرم ندارد، می دانند (هاشم بیگی و نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۶؛ ۱۹۹). برخی نیز قائل به تمایز و تفاوت میان دو کلمه جرم و بزه نبوده و این دو رو مترادف یکدیگر می دانند.

۱-۳- طفل

بطور کلی طفل یا کودک عبارت است از هر پسر یا دختری که به نضج و رشد نرسیده باشد (هاشم بیگی و نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۶؛ ۱۲). به تعبیر دیگر، دوران کودکی از هنگام بارداری آغاز می شود و تا بلوغ ادامه دارد و یک دوره اساسی برای تکوین

و شکل گیری و قوام شخصیت آدمی است. حسن این تعریف در آنست که سوابق دوران جنینی و نوزادی که آثار نامطلوب مربوط به این دوره که بعداً در بروز جرم موثر می افتد به دست فراموشی سپرده نشده است (کی نیا، ۱۳۹۷؛ ۱۷۰). همچنین طفل در لغت به بچه انسان، پیش از بلوغ و یا انسان نابالغ گفته می شود. در اصطلاح روانشناسی، طفولیت در برگرفته دورانی است که از اوایل خردسالی شروع و در زمانی که فرد، واجد شخصیت اجتماعی می شود و از نظر جسمی و روانی نضج می گیرد، خاتمه می یابد. از منظر جرم شناسی، طفل یا نوجوان بزهکار، فردی است که شخصیت وی در حال شکل گیری بوده و در جریان اجتماعی شدن قرار دارد؛ این درحالی است که شخصیت بزرگسال مجرم، قبلاً شکل گرفته و چندان در خور توجه نیست (معصومی ورکی، ۱۴۰۱؛ ۱۰). در نهایت طفل را می توان چنین تعریف نمود که طفل کسی است که به حد بلوغ نرسیده باشد و از نظر سنی دارای شرایط لازم روحی و جسمی برای زندگی اجتماعی نباشد.

۱-۴- نوجوان

تعریف نوجوانی و اینکه چه کسی نوجوان محسوب می شود، در هر جامعه و فرهنگی نسبت به جامعه و فرهنگی دیگر متفاوت است. اما بطور کلی می توان گفت نوجوانی دورانی است که حدود سنی آن بین ۱۲ تا ۱۸ سالگی می باشد و مرحله انتقال از دوران طفولیت به دوره جوانی محسوب می شود (معظمی، ۱۴۰۱؛ ۵۷). دوران نوجوانی و جوانی، مرحله رشد بزهکاری و توسعه رفتارهای ناسازگارانه می باشد. به عقیده بسیاری از محققین علت افزایش بزهکاری در این دوران که از حدود ۱۲ یا ۱۳ سالگی شروع و به ۱۸ سالگی ختم می گردد؛ تحول و بحران بلوغ و عوارض ناشی از آن می باشد. طبق آمار به دست آمده از فرانسه، در این دوران رقم بزهکاری دو برابر بیشتر از دوره سنی قبلی می باشد (نجفی توانا، ۱۴۰۲؛ ۲۵۰). در این دوران، بلوغ جنسی تحقق می یابد؛ تغییرات قد و وزن؛ رشد سینه ها و قاعدگی در دختران و بم شدن صدا، محتلم شدن و رشد موهای صورت در پسران، از جمله نشانه های بارز و مهم دوره بلوغ هستند. در این مرحله، علاقه های آنان به فراسوی مسائل شناختی و بایدها و نبایدهای اخلاقی گسترش پیدا می کند. از این رو، شروع نوجوانی به سن تکلیف و هفت سال سوم زندگی به دوره فراگیری معیارهای ارزشی نامگذاری شده است (کاوایی، ۱۴۰۲؛ ۱۱۸).

۲- شاخصه های سیاست جنایی افتراقی اطفال و نوجوانان

توجه به مصالح عالیله کودکان و نوجوانان در تدوین سیاست جنایی کارآمد، بخشی از روند توسعه و منافع ملی کشورها محسوب می شود. در همین راستا، اتخاذ شیوه های رسیدگی افتراقی به بزهکاری اطفال و نوجوانان از اهمیت بی شماری برخوردار است و نقش قوانین مناسب، در پیشگیری از بزهکاری آنان انکارناپذیر است. بنابراین عصر برخورد یکسان با بزهکاری به سر آمده است و با متنوع شدن جرائم و بزهکاران از نظر گونه شناسی، باید متنوع کردن راهبردها و پاسخ های حقوق کیفری و به طور کلی سیاست جنایی را مدنظر قرار داد (کرستین، ۱۳۹۸؛ ۳۲). سیاست جنایی افتراقی در قبال اطفال و نوجوانان بزهکار که از واقعیت های جامعه شناختی، روان شناختی و جرم شناختی دوره کودکی و نوجوانی نشأت گرفته است، امروزه در قواعد و مقررات بین المللی از جمله قواعد بیجینگ، رهنمودهای ریاض، کنوانسیون حقوق کودک و ... و همچنین در قوانین و مقررات داخلی بسیاری از کشورها، مدنظر قرار گرفته و هنجارمند شده است. امروزه، در قلمرو حقوق کیفری، طفل دیگر فردی بزرگ ولی در ابعادی کوچک نیست بلکه، فرد انسانی مستقلی است که شخصیت، روان و جسم

وی در حال شکل گیری و رشد است و به همین جهت در برابر بزهکاری، کژمداری و بزه‌دیدی آسیب پذیر است (عباچی، ۱۳۸۸؛ ۱۰). علاوه بر این، بزهکاری در میان کودکان و نوجوانان، غالباً بدون بروز رفتارهای خشونت‌آمیز شدید بوده و از انگیزه‌های کینه‌توزانه و یا خصمانه فاصله دارد. این نوع بزهکاری را می‌توان عمدتاً پیامد طبیعی یا گاه غیرطبیعی فرآیند گذار فرد از دوران کودکی به نوجوانی و سپس جوانی دانست. به لحاظ همین تفاوت‌ها، برخورد با بزهکاری اطفال نخست نیازمند شناسایی عمیق شخصیت طفل و در نظر گرفتن شرایط فردی و اجتماعی وی و در نهایت انتخاب اقدامات اجتماعی و تربیتی و یا پاسخ‌های کیفری خاص است. همچنین لازم به ذکر است که سیاست جنایی افتراقی اطفال و نوجوانان باید به دنبال درک علل زمینه‌ای بزهکاری، ارائه برنامه‌های آموزشی، درمانی و حمایتی متناسب با نیازهای فردی و سنی بزهکاران طفل و جوان باشد. بازگرداندن این افراد به جامعه به عنوان شهروندان مسئول و قانون‌مدار هدف نهایی سیاست جنایی اطفال و نوجوانان است. یکی از جلوه‌های سیاست جنایی افتراقی اطفال و نوجوانان، اصل حداقل مداخله کیفری، اصل کیفرزدایی و یا قضازدایی است. اصل حداقل مداخله کیفری به این معنا که مداخله قضایی و کیفری باید به عنوان آخرین راه حل در نظر گرفته شود و در صورت امکان، از روش‌های جایگزین مانند میانجی‌گری، جبران خسارت، خدمات اجتماعی و برنامه‌های آموزشی و مشاوره‌ای استفاده شود. این رویکرد نه تنها از برچسب زنی و ورود زود هنگام کودکان و نوجوانان به سیستم کیفری جلوگیری می‌کند، بلکه فرصت‌های بیشتری را برای اصلاح و بازپروری آنان در محیط خانواده و جامعه فراهم می‌آورد. اصل کیفری زدایی نیز به معنی این است که علیرغم اینکه جرم ارتكابی وصف مجرمانه خویش را حفظ می‌کند، اما واکنش کیفری نسبت به آن حذف می‌شود. اصل قضازدایی نیز که به معنی ارجاع رسیدگی به یک امر در خارج از محدوده صلاحیت قوه قضایی است. امروزه، کاهش دخالت حقوق کیفری در مورد مسائل کودکان به عنوان یکی از اولویت‌ها در نظام‌های کیفری، مورد توجه قرار گرفته است (شاملو، ۱۳۹۰؛ ۱۰۳). همچنین شرط اساسی برای تحقق یک سیاست جنایی افتراقی مؤثر در قبال بزهکاری اطفال و نوجوانان، پذیرش و اعمال اصل تفسیر کودک‌مدارانه است؛ اصلی که بر ضرورت انطباق تمامی فرآیندهای کیفری با منافع و نیازهای ویژه این گروه سنی دلالت دارد. توضیح آنکه، در حقوق کیفری اطفال در کنار اصل تفسیر مضیق قوانین جزایی، قاعده دیگری نیز مورد استناد است که به آن اصطلاحاً اصل تفسیر کودک‌مدارانه گفته می‌شود. این اصل، به ویژه در اصول راهبردی سازمان ملل متحد برای پیشگیری از بزهکاری اطفال که در سال ۱۹۸۶ در ریاض عربستان برگزار گردید مورد تأکید قرار گرفته است. این اصول به اصول یا قواعد ریاض معروف است و در کنگره هشتم به تصویب مجمع سازمان ملل رسید و در ماده ۳ بیان می‌دارد؛ به منظور تعبیر و تفسیر مقررات مربوط به اطفال بزهکار باید از موضع گیری کودک‌مدارانه پیروی نمود و ... (عباچی، ۱۳۸۸؛ ۵۳). براساس اصول حاکم بر حقوق کیفری اطفال بزهکار، در قواعد و مقررات جزایی به ویژه در استناد و احراز جرم و تعیین مجازات، باید تفسیر به نفع کودک انجام پذیرد و به اصطلاح منافع و مصلحت کودکان مهم‌ترین قاعده‌ای باشد که بر تفسیر قوانین کیفری کودکان حاکم است. هدف از تعیین مقررات کیفری و تعیین مجازات‌ها صرفاً اصلاح، درمان و زمینه‌سازی برای بازاجتماعی شدن کودکان است. بنابراین، همین هدف یا فلسفه قانونگذاری باید در تمام مراحل دادرسی اطفال مورد توجه قرار گیرد. ماهیت قوانین کیفری اطفال براساس اصل تقدم تربیت و درمان بر مجازات و ارباب است و لازمه این اولویت بخشیدن به درمان و بازپروری کودک را اصطلاحاً قاعده تفسیر کودک‌مدارانه می‌نامند (شاملو، ۱۳۹۰؛ ۹۹). در قوانین ماهوی کیفری که ناظر بر تعریف

جرم، مجازات و مسئولیت کیفری برای مرتکبان جرائم است، نظام حقوقی کودک مدار به گونه ای مدون می شود که اگر مرتکب جرم، طفل یا نوجوان باشد واکنش ها فاقد جنبه سرکوبگری و آزاردهندگی مقرر باشند و در آغاز با هدف قضازدایی، آنان را از دادرسی کیفری خارج نماید و در صورت عدم موفقیت، این واکنش ها به گونه ای انتخاب شود که به لحاظ کیفرزدایی به بازسازی اجتماعی آنان منتهی گردد (موذن زادگان، ۱۳۸۷؛ ۲۰). از دیگر جلوه های سیاست جنایی افتراقی در مواجهه با بزهکاری کودکان و نوجوانان، تأسیس دادگاه های تخصصی برای رسیدگی به جرایم ارتكابی این گروه سنی است. برخورداری از یک دادرسی عادلانه، نیازمند این است که اطفال، توسط دادگاه های ویژه و با ترکیبی خاص از قضات و مشاوران مردمی، مورد محاکمه قرار گیرند (آشوری، ۱۳۸۲؛ ۱۲). همچنین مقنن در تدوین قوانین کیفری شکلی نیز، باید منافع عالی کودک و نوجوان را رعایت کند. در قوانین شکلی کیفری کودک مدار، دادرسی باید به گونه ای مقرر شود که حریم خصوصی کودک و نوجوان را کاملاً حفظ کند و از زدن برچسب اتهام به او بپرهیزد؛ در روند دادرسی وی را مشارکت دهد؛ از متخصصان مددکاری اجتماعی و روانشناسی برای کشف واکنش های مناسب با شخصیت او استمداد کند؛ مساعدت حقوقی رایگان در اختیارش قرار دهد؛ اصول حقوق کیفری مانند اصل برائت، اصل قانونی بودن جرم و مجازات، اصل حق داشتن وکیل، اصل حق دفاع در فرآیند دادرسی را تضمین نماید (موذن زادگان، ۱۳۸۷؛ ۲۱). علاوه بر این موارد، یک سیاست جنایی افتراقی کارآمد در این زمینه، نیازمند همکاری نزدیک میان نهادهای مختلف از جمله نهادهای حقوقی و قضایی، سازمان های دولتی، مدارس، خانواده ها و جامعه مدنی است. ایجاد مراکز مشاوره و مددکاری اجتماعی تخصصی برای کودکان و نوجوانان بزهکار و خانواده های آنان، توسعه برنامه های پیشگیری از بزهکاری در سطح جامعه و مدارس و آموزش و توانمندسازی متخصصان فعال در این حوزه، از جمله اقدامات ضروری برای تحقق اهداف اصلاحی و پیشگیرانه در قبال بزهکاری کودکان و نوجوانان محسوب می شود. در نهایت، ارزیابی مستمر و اصلاح سیاست ها و برنامه ها بر اساس نتایج تحقیقات و تجربیات عملی، برای اطمینان از اثربخشی و انطباق آن ها با نیازهای در حال تغییر این گروه سنی، امری اجتناب ناپذیر است.

۳- سیاست جنایی ایران در قبال بزهکاری اطفال و نوجوان

این بخش به بررسی سیاست جنایی افتراقی ویژه اطفال و نوجوانان در کشور ایران اختصاص دارد که شامل تعریف و مفهوم طفل و نوجوان در قوانین ایران، سن مسئولیت کیفری در ایران، تحلیل قوانین ماهوی مرتبط با بزهکاری اطفال و نوجوانان و در نهایت، قواعد شکلی و روند دادرسی افتراقی اطفال در ایران می شود. هدف از این بررسی، شناسایی نقاط قوت و ضعف سیاست جنایی ایران در قبال اطفال و نوجوانان بزهکار است. همچنین تلاش می شود در میان مباحث، راهکارهایی برای بهبود روند دادرسی و ارتقای عدالت کیفری در این حوزه پیشنهاد گردد.

۳-۱- تعریف طفل و نوجوان در حقوق ایران

براساس بند الف ماده یک قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹، طفل، هر فردی است که به سن بلوغ شرعی نرسیده باشد و در ماده ۱۴۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و ماده ۱۲۱۰ قانون مدنی، سن بلوغ شرعی را برای دختران و پسران، به ترتیب نه و پانزده سال تمام قمری دانسته است. از مجموع این مواد قانونی می توان چنین برداشت کرد

که برطبق قوانین ایران، دوران طفولیت برای دختران تا ۹ سال و برای پسران تا ۱۵ سال تمام قمری می باشد. همچنین مطابق ماده ۱ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹ ایران، نوجوان، هر فرد زیر هجده سال کامل شمسی است که به سن بلوغ شرعی رسیده باشد. طبق این تعریف دوره نوجوانی نیز، برای دختران از ۹ سالگی تا ۱۸ سالگی و برای پسران، از ۱۵ سالگی تا ۱۸ سالگی می باشد. ماده ۸۹ قانون مجازات اسلامی ایران^۲ نیز موید همین موضوع می باشد چرا که در این ماده بر خلاف ماده ۸۸ همین قانون، قانونگذار صرفاً از واژه نوجوان در صدر ماده، برای اشخاص ۱۵ تا ۱۸ سالگی استفاده کرده است و همانگونه که مطرح شد، در این سنین هم دختران و هم پسران به بلوغ شرعی رسیده اند و از طرفی زیر ۱۸ سال نیز می باشند و به همین جهات نوجوان محسوب می گردند.

۳-۲- سن مسئولیت کیفری

تعیین حداقل سن مسئولیت کیفری، مبنای حقوقی برای تفکیک کودکان و نوجوانانی است که به سن مسئولیت کیفری نرسیده اند از کسانی که در قبال اعمال مجرمانه خود مسئول شناخته می شوند، فراهم می کند. وقتی قانون گذار، سنی را به عنوان حداقل سن مسئولیت کیفری مشخص می کند، در واقع اعلام می دارد که از نظر او، کودک در آن سن به سطحی از بلوغ عاطفی، روانی و ذهنی رسیده است که بتواند مسئول و پاسخگوی رفتارهای خود باشد. به طور کلی دو نوع نظام مسئولیت کیفری برای اطفال در کشورهای مختلف وجود دارد. در گونه نخست، مسئولیت کیفری به یکباره کامل می شود. به این معنا که فرد تا سن مشخصی که قانون مقرر می کند، کودک محسوب می شود و فاقد هرگونه مسئولیت کیفری است و به محض گذر از آن سن، بزرگسال محسوب می شود و مسئولیت کیفری کامل پیدا می کند. قانون مجازات اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۰ از چنین نظامی پیروی کرده بود و اطفال تا رسیدن به سن بلوغ فاقد مسئولیت کیفری قلمداد می شدند و پس از آن، مسئولیت کیفری کامل پیدا می کردند و در این مورد نیز تفاوتی بین مجازات های تعزیری و غیر آنها وجود نداشت. نوع دیگر نظام مسئولیت کیفری که قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ ایران از آن پیروی کرده است، نظامی است که در آن مسئولیت کیفری به تدریج کامل می شود، به این معنا که تا یک سن مشخص، فرد مطلقاً فاقد مسئولیت کیفری است و هیچ گونه واکنش کیفری در مقابل جرم ارتكابی وی نشان داده نمی شود. سپس وارد دوران مسئولیت کیفری تخفیف یافته می شود به این صورت که در مقابل جرائم ارتكابی توسط وی، واکنش کیفری خفیف تری در مقایسه با بزرگسالان مرتکب جرم مشابه نشان داده می شود. با گذر از این مرحله نیز فرد وارد دوران مسئولیت کیفری کامل می شود، یعنی بزرگسال تلقی شده و واکنش کیفری نسبت به وی نیز همانند بزرگسالان خواهد بود. نظام تدریجی از این حیث که مسئولیت کیفری در آن همگام با افزایش قوه ادراک فرد تکامل می یابد، عادلانه تر است (صبوری پور و علوی صدر، ۱۳۹۴، ۱۷۸). البته قانون گذار در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، نظام مسئولیت کیفری نسبی یا تدریجی را صرفاً در جرایم تعزیری مورد پذیرش قرار داده است و این قاعده در خصوص جرایم حدی و قصاص جاری نیست. به موجب مواد ۸۸ و ۸۹ این قانون، افراد زیر ۹ سال تمام شمسی فاقد مسئولیت محسوب می شوند و هرگونه تصمیم قضایی اعم از اقدامات تامینی و تربیتی و یا مجازات برای آنان منتفی دانسته شده است. در فاصله سنی ۹ تا ۱۸ سال، مسئولیت کیفری آن ها به صورت نسبی و متناسب با رشد

^۲ - ماده ۸۹ درباره نوجوانانی که مرتکب جرم تعزیری می شوند و سن آنها در زمان ارتكاب، بین پانزده تا هجده سال تمام شمسی است ...

فکری و اخلاقی آنان تعیین می‌گردد. در این بازه سنی، به جای مجازات‌های سنگین، اقدامات تأمینی و تربیتی و مجازات‌های خفیف اعمال می‌شود. با رسیدن به ۱۸ سالگی، مسئولیت کیفری فرد کامل تلقی می‌شود. در مقابل، در جرایم حدی و قصاص، ملاک سنجنش، سن بلوغ شرعی است؛ به‌گونه‌ای که افراد پیش از رسیدن به سن بلوغ شرعی مسئولیت کیفری ندارند، اما به محض بلوغ، دارای مسئولیت کیفری کامل می‌شوند و امکان اعمال مجازات‌های سنگین وجود دارد و این مسئله در حوزه حقوق کیفری اطفال مورد انتقاد است. برآیند بحث حاضر این است که، قانون مجازات اسلامی ایران با الهام از احکام شرع، اساس مسئولیت کیفری اطفال و نوجوانان را سن بلوغ نهاده است. لیکن با دو رویکرد کاملاً متفاوت مبتنی بر نوع جرم؛ جرایم تعزیری و جرایم موجب حد و قصاص. سعی قانونگذار بر آن بوده است که در هر مقطع سنی نظام تدریجی پاسخ دهی را حفظ کند. در نظام تدریجی تعزیرات، عموماً پاسخ‌ها از نوع اقدامات مراقبتی، نظارتی و تربیتی هستند ولی در آستانه نوجوانی این پاسخ‌ها صبغه کیفری پیدا می‌کنند. در جرائم تعزیری اصولاً تفاوتی بین طفل و یا نوجوان دختر و پسر از حیث نوع تصمیم‌های دادگاه دیده نمی‌شود در حالی که در جرائم موجب حد و قصاص این تمایز بیش از پیش آشکار می‌شود و در یک مرحله سنی واکنش نسبت به جرائم دختران در مقایسه با پسران از شدت بیشتری برخوردار می‌گردد (اردبیلی، ۱۳۹۹؛ ۱۵۹) در قانون مجازات اسلامی ایران مصوب ۱۳۹۲، قانونگذار در ماده ۱۴۶ مقرر کرده است که افراد نابالغ از مسئولیت کیفری معاف هستند^۳ و در ادامه در ماده ۱۴۷ سن بلوغ، برای دختران ۹ سال قمری و برای پسران، ۱۵ سال قمری تعیین شده است^۴؛ وضعیتی که در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ با سکوت روبه‌رو بود و به قانون مدنی استناد می‌شد. در قانون مجازات جدید درباره سن بلوغ تغییری صورت نگرفته و از همان ماده قانون مدنی تبعیت شده است اما به سن مسئولیت کیفری اطفال بزهکار توجه فراوانی شده و تحولات اساسی صورت گرفته است. اطفال و نوجوانان معارض قانون، در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، در مجازات‌های تعزیری و بر اساس سن مسئولیت کیفری، به ۳ گروه کلی تقسیم شده‌اند؛ نخست؛ اطفال کمتر از ۹ سال که فاقد مسئولیت کیفری قلمداد می‌شوند؛ دوم؛ اطفال و نوجوانانی که در زمان ارتکاب جرم، نه تا پانزده سال دارند و در نهایت سوم؛ نوجوانانی که در زمان ارتکاب جرم، پانزده تا هجده سال دارند.^۵ انتقادی که به این مواد وارد است این است که قرار دادن این سنین به عنوان اماره بلوغ و بار کردن مسئولیت کیفری بعد از رسیدن به آن‌ها عملاً باعث تبعیض و اعمال ناروای تفاوت در میان دختران و پسران از حیث تحمل مسئولیت کیفری می‌شود. این عملکرد قانونگذار با موازین بین‌المللی هم مطابقت ندارد؛ چون همان‌طور که در مقررات بیجینگ توصیه شده است، سن مسئولیت کیفری نباید پایین تعیین شود و لازم است با واقعیات مربوط به بلوغ عاطفی، ذهنی و عقلی کودک در نظر گرفته شود؛ هرچند این توصیه برای کشورها الزام‌آور نیست اما نوعی راهبرد کلی برای تعیین حداقل سن مسئولیت کیفری ارائه می‌دهد. بنابراین بهتر است به جای توسل به سنت‌ها، سن مسئولیت کیفری بر اساس داده‌های

^۳- ماده ۱۴۶ قانون مجازات اسلامی؛ افراد نابالغ مسئولیت کیفری ندارند

^۴- ماده ۱۴۷ قانون مجازات اسلامی؛ سن بلوغ، در دختران و پسران، به ترتیب نه و پانزده سال تمام قمری است.

^۵- ماده ۸۸ قانون مجازات اسلامی؛ درباره اطفال و نوجوانانی که مرتکب جرائم تعزیری می‌شوند و سن آنها در زمان ارتکاب، نه تا پانزده سال تمام شمسی است

حسب مورد، دادگاه یکی از تصمیمات زیر را اتخاذ می‌کند ...

ماده ۸۹ قانون مجازات اسلامی؛ درباره نوجوانانی که مرتکب جرم تعزیری می‌شوند و سن آنها در زمان ارتکاب، بین پانزده تا هجده سال تمام شمسی است مجازات‌های زیر اجراء می‌شود ...

زیست‌شناختی و مطابق با واقعیات اجتماعی تعیین گردد که متأسفانه این معیار در تعیین حداقل سن کیفری در ایران رعایت نشده است (حیدری، ۱۳۹۴؛ ۱۰۶). در نهایت می‌توان اظهار داشت که قانون‌گذار ایران در تعیین دوران و مراحل مسئولیت کیفری، رویکردی دوگانه اتخاذ کرده است. از یک‌سو، در جرایم تعزیری با پذیرش نظام مسئولیت کیفری تدریجی، گامی در جهت انطباق با واقعیات‌های جرم‌شناختی، ملاحظات روان‌شناختی و استانداردهای بین‌المللی برداشته است؛ اما از سوی دیگر، در جرایم حدی و قصاص، با اتخاذ رویکردی مطلق‌نگر مبتنی بر بلوغ شرعی، از این مسیر فاصله گرفته و به گونه‌ای واپس‌گرایانه، نظام مسئولیت کیفری مطلق را برگزیده و اصول علمی و معیارهای بین‌المللی حمایت از اطفال را نادیده انگاشته است.

۳-۳- مقررات ماهوی

هدف اصلی از رسیدگی به جرائم اطفال و نوجوانان، علاوه بر اجرای عدالت و احقاق حقوق بزه‌دیده و جامعه، بازپروری، تربیت و اصلاح اطفال و نوجوانان بزه‌کار است و به این علت، تصمیماتی که دادگاه اتخاذ می‌نماید بایستی در همین راستا باشد، مگر آنکه به طور استثنایی و در حالت خطرناک، شخصیت طفل و نوجوان، اعمال و اجرای مجازات را ایجاب نماید (عباچی، ۱۳۸۸؛ ۱۳۱). البته بایستی یادآور شد که سیاست جنایی مدرن و کارآمد، تنها به واکنش‌های رسمی و قضایی محدود نمی‌شوند، بلکه طیف وسیعی از تدابیر و واکنش‌های کیفری و اجتماعی را در بر می‌گیرند که هدف آن‌ها پیشگیری، اصلاح، بازپروری و ادغام مجدد این افراد در جامعه است. بر خلاف کشور اردن، در نظام حقوق کیفری ایران قانون خاصی در زمینه جرم‌انگاری بزهکاری اطفال و نوجوانان تصویب نشده است و جرم‌انگاری رفتارهای مجرمانه این گروه سنی در فصل دهم از بخش دوم قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، تحت عنوان «مجازات‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی اطفال و نوجوانان»، صورت پذیرفته است. وجه تمایز میان «مجازات‌ها» و «اقدامات تأمینی و تربیتی» در ماده ۱۴۸ قانون مجازات اسلامی به روشنی تبیین شده است. مطابق این ماده، اقدامات تأمینی و تربیتی ناظر به افراد نابالغ بوده، در حالی که مجازات‌ها مختص افراد بالغ است. در تأیید این گفته، می‌توان به صدر مواد ۸۸ و ۸۹ همین قانون استناد کرد. ماده ۸۸ که اطفال و نوجوانان بین ۹ تا ۱۵ سال را در بر می‌گیرد، شامل هر دو گروه نابالغ (پسران زیر ۱۵ سال) و بالغ (دختران بالای ۹ سال) است و به همین سبب، قانون‌گذار به‌جای استعمال واژه «مجازات»، از اصطلاح «تصمیمات» بهره گرفته است. در مقابل، در ماده ۸۹ که ناظر بر افراد ۱۵ تا ۱۸ ساله است - گروهی که همگی بالغ، اعم از دختر و پسر، محسوب می‌شوند - با صراحت از عنوان «مجازات» استفاده کرده است. خلاصه اینکه، اقدامات تأمینی و تربیتی، تدابیری هستند که با هدف پیشگیری از تکرار جرم، اصلاح شخصیت بزه‌کار و مقابله با حالت خطرناک بزه‌کار به موجب حکم دادگاه، اتخاذ می‌شوند. این اقدامات برخلاف مجازات‌ها که هدف اصلی آن‌ها تنبیه و پاسخ به رفتار مجرمانه است، بر اصلاح، درمان و بازپروری فرد تمرکز دارند (اردبیلی، ۱۳۹۴؛ ۱۰۹) اما در مقابل، مجازات‌ها واکنش‌های رسمی نظام عدالت کیفری نسبت به ارتکاب جرم هستند که با هدف‌های متنوعی چون تنبیه، بازدارندگی، عدالت‌خواهی اجتماعی و گاه اصلاح مجرم اعمال می‌شوند. مجازات معمولاً دارای ماهیتی سرزنش‌آمیز، قطعی و محدودکننده حقوق فرد است و بر اساس اصل قانونی بودن جرم و مجازات وضع می‌شود. بر اساس ماده ۸۸ قانون مجازات اسلامی، اطفال و نوجوانانی که بین ۹ تا ۱۵ سال تمام

شمسی سن دارند، در صورت ارتکاب جرائم تعزیری، مشمول یکی از تدابیر پیش‌بینی شده در بندهای «الف» تا «پ» همان ماده خواهند بود. این تدابیر شامل اقدامات حمایتی مانند تسلیم به والدین یا سرپرست قانونی با اخذ تعهد به تادیب، اقدامات تربیتی مانند فرستادن طفل یا نوجوان به یک موسسه آموزشی یا فرهنگی به منظور حرفه آموزی یا تحصیل و نصیحت به وسیله قاضی می‌شوند. با این حال، چنانچه سن مرتکب بین ۱۲ تا ۱۵ سال باشد، به موجب تبصره ۱ ماده مذکور، امکان اعمال تدابیر مندرج در بندهای «ت» و «ث» (اخطار، تذکر، اخذ تعهد به عدم تکرار و نگهداری در کانون اصلاح و تربیت) نیز وجود خواهد داشت. افزون بر آن، در مواردی که نوجوانان ۱۲ تا ۱۵ ساله مرتکب جرائم تعزیری درجه یک تا پنج سال حبس شده باشند، وفق تبصره ۱ ماده ۸۸، صدور حکم مطابق بند «ث» الزامی بوده و قاضی اختیار عدول از آن را ندارد. از جمله انتقاداتی که بر قانون مجازات اسلامی وارد است، این است که قانونگذار مطابق تبصره ۲ ماده ۸۸، در جرائم حدی و قصاص هیچ حداقل سنی که کمتر از آن بتوان اطفال بزهکار را از دایره مقررات کیفری خارج دانست، پیش‌بینی نکرده است. در صورتی که فلسفه تعیین این حداقل، بر اساس اسناد بین‌المللی، خارج کردن خردسالان از چرخه پیگیری‌های رسمی و قضایی به جهت پیامدهای سوء و نامطلوب آن بر روح و روان اطفال (کیفرزدایی و قضازادایی) است (اردبیلی، ۱۳۹۹، ۱۶۴). مسئله دیگر آنکه، با توجه به اینکه سن بلوغ در دختران نه سال تمام قمری است (ماده ۱۴۷ ق.م.ا)، اقدامات مقرر در بندهای ت و ث ماده ۸۸ قانون مجازات اسلامی، تنها شامل پسران می‌شود و دختران به دلیل رسیدن به بلوغ شرعی کماکان حسب مورد به مجازات حد یا قصاص محکوم می‌شوند مگر آنکه به موجب ماده ۹۱ در رشد و کمال عقل آنها شبهه وجود داشته باشد که در این صورت به اقتضاء سن آنان تصمیم گرفته می‌شود. این تبعیض ناروا می‌باشد و همواره خطر اعمال مجازات‌های سنگین مانند حد و قصاص بزهکار خردسال را که بیش از هر چیز به حمایت نیاز دارد، تهدید می‌کند (همان، ۱۶۴). نکته بعدی در رابطه با ماده ۹۱ ق.م.ا می‌باشد و آن اینکه ماده ۹۱ بیان می‌دارد؛ در جرائم حدی یا قصاص هرگاه افراد نابالغ کمتر از هجده سال، ماهیت جرم انجام شده و یا حرمت آن را درک نکنند و یا در رشد و کمال عقل آنان شبهه وجود داشته باشد، حسب مورد با توجه به سن آنها به مجازاتهای پیش‌بینی شده در این فصل محکوم می‌شوند اما قانونگذار اشاره‌ای به این مورد نکرده است که کدام مجازات‌ها؟ و این مسئله دادگاه را در انتخاب مجازات‌های تعزیری جایگزین با مشکل روبرو می‌کند. همچنین ماده ۸۹ این قانون بیان می‌دارد که درباره نوجوانان ۱۵ تا ۱۸ سالگی که مرتکب جرائمی که مجازات قانونی آنها تعزیر درجه پنج است، یکی از سه مورد بند پ این ماده یعنی نگهداری در کانون اصلاح و تربیت به مدت سه ماه تا یک سال یا جزای نقدی یا انجام دادن خدمات عمومی رایگان قابل اعمال است. با مقایسه ماده ۸۸ و ۸۹ به خوبی می‌توان متوجه شد که اگر فردی بین ۱۲ تا ۱۵ سال داشته باشد و مرتکب جرم تعزیری درجه پنج شود، مطابق تبصره ۱ ماده ۸۸، صرفاً و الزاماً به نگهداری در کانون اصلاح و تربیت که به نوعی تصمیم شدیدتری است محکوم خواهد شد ولی اگر همین فرد ۱۵ تا ۱۸ سال داشته باشد، مطابق بند پ ماده ۸۹، می‌تواند به نگهداری در کانون اصلاح و تربیت، جزای نقدی و یا خدمات عمومی رایگان محکوم شود. در واقع اشتباه بزرگ قانونگذار در این بوده است که برای افراد ۱۲ تا ۱۵ سال، کیفرسنگین تری را بدون هیچ‌گونه جایگزینی الزامی کرده است اما برای افراد ۱۵ تا ۱۸ سال (بزرگتر از آنها) اینگونه نیست، درحالی که طبیعتاً بایستی برعکس می‌بود و این جای اشکال دارد. همچنین با وجود تصریح ماده ۱۳۸ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ مبنی بر عدم اعمال مقررات تکرار جرم در خصوص اطفال بزهکار، این قانون در خصوص

اعمال یا عدم اعمال مقررات تعدد جرم نسبت به این افراد ساکت است و این امر زمینه بروز دیدگاه های مختلف و رویه های قضایی متفاوت را فراهم کرده است.^۶ با اینکه در قوانین ایران ماده قانونی صراحتاً به مسئله تعدد جرم در بزهکاری اطفال و نوجوانان پرداخته است اما مطابق نظریه مشورتی شماره ۱۶۸۶/۹۵-۷/۱۸-۱۳۹۵؛ نظر به اینکه مقررات تعدد جرم ناظر به مجازات است و در خصوص اطفال، در صورت ارتکاب جرم طبق ماده ۱۴۸ قانون مجازات اسلامی اقدامات تامینی و تربیتی اعمال می شود نه مجازات، در حالیکه در خصوص نوجوانان، با عنایت به ماده ۸۹ قانون مذکور، مجازات تعزیری تعیین می گردد، لذا قواعد تعدد در خصوص اطفال قابل اعمال نیست ولی در خصوص جرائم تعزیری ارتكابی توسط نوجوانان، قابل اعمال است. این در حالی است که در اردن مسئله متفاوت است که در بخش بعدی مقاله به آن پرداخته خواهد شد. در نهایت، سیاست جنایی تقنینی ایران در قبال اطفال و نوجوانان در برخی موارد از انسجام درونی کافی برخوردار نیست و با چالش هایی مواجه است. از جمله این موارد می توان به فقدان تعیین حداقل سن برای اعمال اقدامات تامینی و تربیتی در جرایم حدی و قصاص^۷، برخلاف مقررات تعزیرات، اشاره کرد. همچنین، جرم انگاری تعزیرات درجه پنج برای گروه سنی ۱۲ تا ۱۵ سال، که از حیث شدت (صرفاً نگهداری در کانون)، سنگین تر از احکام مربوط به افراد ۱۵ تا ۱۸ سال (نگهداری در کانون یا جزای نقدی یا خدمات عمومی رایگان) است، حاکی از نوعی بی تناسبی در نظام تقنینی می باشد. افزون بر این سکوت قانونگذار در مورد امکان اعمال یا عدم اعمال مقررات ناظر به تعدد جرم و امکان اعمال مجازات های سنگین حدی نسبت به دختران صرفاً با توجیهاتی نظیر ماده ۹۱ قانون مجازات اسلامی، بدون در نظر گرفتن لزوم احتیاط و رعایت اصول حفظ دماء، خود نشان دهنده نوعی بی نظمی، تداخل و دوگانگی سیاست جنایی تقنینی اطفال و نوجوانان می باشد در صورتی که قانونگذار اردن، بدون توسل به هیچ گونه توجیه یا استثنا، در بند (ج) ماده ۴ قانون الأحداث، مجازات هایی نظیر اعدام و اعمال شاقه را نسبت به کودکان زیر ۱۲ سال، به طور مطلق و صریح ممنوع کرده است.^۸

۴-۴- مقررات شکلی و دادرسی افتراقی اطفال و نوجوانان

به منظور تامین هدف مقدس حمایت از منافع و مصالح عالیله کودکان و نوجوانان معارض با قانون، با وجود این که اصل تساوی افراد در برابر قانون و دادگاه ها در قانون اساسی (اصول ۱۹ و ۲۰ قانون اساسی) متضمن ممانعت از تشکیل دادگاه های ویژه در رسیدگی به جرائم گروه های اجتماعی خاص است لیکن با توجه به دستاوردهای علوم جنایی و جرم شناسی و توصیه اسناد بین المللی، در نظام های دادرسی کیفری غالب کشورها، دادگاه ویژه ی اطفال با صلاحیت اختصاصی رسیدگی به اتهامات اطفال و نوجوانان تشکیل شده است (آشوری، ۱۳۷۹؛ ۶۷). در حقوق ایران تا قبل از تشکیل دادگاه های اطفال مصوب سال ۱۳۳۸ مرجع قضایی مستقل واجد صلاحیت برای رسیدگی به اتهام اطفال و نوجوانان پیش بینی نشده بود. بعد

^۶- ماده ۱۳۸ قانون مجازات اسلامی؛ مقررات مربوط به تکرار جرم در جرائم سیاسی و مطبوعاتی و جرائم اطفال اعمال نمی شود.

^۷- تبصره ۲ ماده ۸۸ قانون مجازات اسلامی؛ هرگاه نابالغ مرتکب یکی از جرائم موجب حد یا قصاص گردد در صورتی که از دوازده تا پانزده سال قمری داشته باشد به یکی از اقدامات مقرر در بندهای (ت) و یا (ث) محکوم می شود و در غیر این صورت یکی از اقدامات مقرر در بندهای (الف) تا (پ) این ماده در مورد آنها اتخاذ می گردد.

^۸- ماده ۴؛ ج- لا يحکم بالإعدام أو بالأشغال الشاقه علی الحدت.

از تصویب قانون دادگاه‌های اطفال بزهکار در سال ۱۳۳۸، رسیدگی به جرائم اطفال به دادگاه مختص به آنان واگذار شد. لزوم شناسایی شخصیت و علل بزهکاری، اجرای روش‌های خاص برای اصلاح و بازپروری و یا درمان و تربیت به جهت پیشگیری از تکرار جرم، امکان تغییر دادن روش‌ها با تکوین شخصیت اطفال و نوجوانان، مهمترین انگیزه تفکیک آیین دادرسی اطفال و نوجوانان از آیین دادرسی کیفری بزرگسالان و همچنین تاسیس دادگاه‌های خاص اطفال و نوجوانان است (دانش، ۱۳۹۳؛ ۱۳۳). اختصاصی شدن رسیدگی به بزهکاری اطفال همچنان که اهداف خاصی را در پی دارد، دلایل و علل خاصی را نیز داشته است که ناشی از خصوصیات ویژه این نوع از بزهکاری بوده است. آنچه مسلم است شرایط، اوصاف و دلایل متفاوت این قبیل بزهکاری در عین حال که آن را از سایر جرائم ارتكابی عمومی متمایز می‌سازد، آگاهی از این اوصاف اختصاصی و نهایتاً دارا بودن تخصص متمایزی را اقتضا دارد (مهرا، ۱۳۸۵؛ ۵۵). بر اساس همین ضرورت، نظام‌های حقوقی، شرایط و اختصاصات ویژه‌ای برای دادرسی اطفال بزهکار پیش‌بینی نموده‌اند که از جمله مهم‌ترین آنها شرایط و نحوه انتخاب قضات مخصوص اطفال و دیگری، نحوه مشارکت کارشناسان فنی و تخصصی در پروسه دادرسی است. هنر قضاوت، هنری است بسیار دشوار و هنر قضاوت در مورد کودکان از آن هم مشکلتر است و دارای ظرفیت خاص خود می‌باشد زیرا تصمیمات قاضی تأثیرات بسیار مهمی در کلیه مراحل فعلی و آتی زندگی کودک دارد (ژان زرماتن، ۱۳۷۸؛ ۵۲). در همین راستا، ماده ۴۰۹ آیین دادرسی کیفری ایران مصوب ۱۳۹۲ بیان می‌دارد^۹ که قضات دادگاه و دادرسی اطفال از بین قضاتی که حداقل پنج سال سابقه خدمت قضایی دارند و با لحاظ شرایطی مانند سن و وضعیت تاهل و گذراندن آموزش‌های لازم و داشتن سایر شایستگی‌های لازم توسط رئیس قوه قضائیه انتخاب می‌شوند. با این حال، چالش‌هایی در خصوص آموزش دیده و متخصص بودن قضات این دادگاه‌ها در هر دو حوزه تقنین و اجرا مطرح است. به عنوان مثال، مطابق ماده ۴۱۱ آیین دادرسی کیفری ایران^{۱۰}، در صورتی که قاضی دادگاه اطفال و نوجوانان به دلایل قانونی قادر به انجام وظیفه نباشد، رئیس دادگستری می‌تواند شخصاً به جای او اقدام کند یا یکی از قضات واجد شرایط را به طور موقت مأمور رسیدگی نماید. انتقادی که به این ماده وارد است این است که، ممکن است رئیس دادگستری آموزش‌های تخصصی قضات دادگاه‌های اطفال را دریافت نکرده باشد و بهتر بود قانونگذار قضات علی‌البدلی را پیش‌بینی می‌کرد که آموزش‌های لازم را دیده باشند و در صورت عدم امکان رسیدگی توسط قاضی اصلی، این قضات به جای وی انجام وظیفه نمایند. بدین ترتیب، اصل ضرورت بهره‌مندی از قضات متخصص در دادگاه‌های اطفال به طور کامل رعایت می‌شد (سلیمی و بخشی زاده اهری، ۱۳۹۶؛ ۸۷). یکی دیگر از تضمین‌هایی که در دادرسی افتراقی اطفال پیش‌بینی شده، خارج کردن تصمیم‌گیری‌های دادگاه از قالب‌های خشک و سنتی حقوقی است. در بسیاری از نظام‌های حقوقی، تصمیم‌گیری صرفاً بر عهده قاضی نیست و نقش او به‌عنوان محور اصلی کاهش یافته است. در دادرسی مدرن ویژه اطفال، سیستم وحدت قاضی کنار گذاشته شده و مبنای تصمیم‌گیری بر اساس نظر جمعی و مشورت چند نفر است. حضور مشاوران و بهره‌گیری از نظرات کارشناسان غیرقضایی در دادگاه اطفال به منظور منطقی ساختن تصمیمات قضایی و منطبق ساختن آنها با عدالت و انصاف پیش‌بینی شده است.

^۹- ماده ۴۰۹ قانون آیین دادرسی کیفری: قضات دادگاه و دادرسی اطفال و نوجوانان را رئیس قوه قضائیه از بین قضاتی که حداقل پنج سال سابقه خدمت قضایی دارند و شایستگی آنان را برای این امر با رعایت سن و جهات دیگر از قبیل تاهل، گذراندن دوره آموزشی و ترجیحاً داشتن فرزند محرز بداند، انتخاب می‌کند.

^{۱۰}- ماده ۴۱۱ قانون آیین دادرسی کیفری: هرگاه قاضی دادگاه اطفال و نوجوانان به جهتی از جهات قانونی از انجام وظیفه باز بماند، رئیس دادگستری می‌تواند شخصاً به جای او انجام وظیفه کند یا یکی از قضات واجد شرایط را به جای قاضی دادگاه اطفال و نوجوانان به طور موقت مأمور رسیدگی نماید.

مداخله مددکاران اجتماعی و مشاوران در فرآیند دادرسی اطفال و نوجوانان بزهکار از دو جهت دارای اهمیت است. نخست اینکه؛ مددکاران اجتماعی ابزاری برای تامین هماهنگی و یکپارچگی جامعه بوده و از این جهت با اختلاف ها و تضادهایی که میان افراد مختلف جامعه وجود دارد ارتباط پیدا می کنند. از آنجا که امروزه گرایش عمده دادرسی اطفال و نوجوانان بزهکار به رویکرد عدالت ترمیمی است و در این رویکرد بسیاری از جرائم به عنوان اختلاف و تعارض اجتماعی تلقی می شوند؛ استفاده از نهاد مددکاری اجتماعی در این دادرسی برای حل این اختلاف ضرورت پیدا کرده است. عامل دیگری که نهاد مشاوران و مددکاران اجتماعی را با دادرسی اطفال و نوجوانان مرتبط می سازد؛ مربوط به نقشی است که مددکار در شناسایی و تحلیل بزهکاری طفل، شناخت شخصیت وی و پیشنهاد پاسخ های مناسب برای بزهکاری وی ایفا می کند (کونیک شوفر، ۱۳۸۲؛ ۲۹). این همان وظیفه و نقشی است که مددکاران اجتماعی و ناظرین رفتاری در دادرسی اطفال و نوجوانان اردن از مرحله شروع تعقیب تا حتی پس از اجرای حکم بر عهده دارند که در بخش آتی به آن خواهیم پرداخت. متأسفانه یکی از مشکلاتی که در روند دادرسی پرونده های اطفال و نوجوانان کشورمان وجود دارد، درک نکردن نقش و جایگاه مددکاران و مشاوران است زیرا نحوه ی برخورد و رفتار با این گروه از کودکان بسیار فنی و روانشناختی است (کشفی، ۱۳۹۰؛ ۶۱). ماده ۲۹۸ آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ ایران^{۱۱} به ترکیب دادگاه اطفال و نوجوانان می پردازد که از یک قاضی و دو مشاور تشکیل می شود اما خلاء قانونی در استفاده از سیستم تعدد قاضی یا استفاده از مشاورین در تصمیمات دادگاه اطفال همچنان باقی است زیرا در ادامه این ماده اشاره می کند که نظر مشاوران صرفاً مشورتی است و الزامی برای تبعیت قاضی ندارد؛ برخلاف اردن که گزارش های ناظران رفتاری و نظرات آنها، در صدور رای تعیین کننده و تاثیر گذار است. مسئله دیگر، بحث پرونده شخصیت است. پرونده شخصیت پرونده ای جدا از پرونده اتهامی مربوط به رفتار مجرمانه، و در واقع حاوی اطلاعاتی از شخصیت مرتکب این رفتار است. پرونده شخصیت از دستاوردهای جرم شناسی است و هدف از تشکیل آن شناخت بهتر شخصیت مرتکب به منظور اتخاذ تدابیر کیفری یا تامینی متناسب با آن است. در نتیجه با کمک پرونده شخصیت، اصل فردی کردن مجازات ها که یکی از اصول پذیرفته شده امروزی در حقوق کیفری به شمار می رود، نیز به نحو مطلوبی رعایت خواهد شد (خالقی، ۱۳۹۹؛ ۲۲۸). بر اساس ماده ۲۸۶ قانون آیین دادرسی کیفری^{۱۲}، تشکیل پرونده شخصیت برای اطفال و نوجوانان بزهکار الزامی است، مگر در جرائم تعزیری درجه هفت و هشت. این ماده بر اهمیت بررسی دقیق وضعیت فردی، خانوادگی، اجتماعی و روان شناختی کودکان و نوجوانان در فرآیند دادرسی تأکید دارد و هدف آن، فراهم سازی زمینه تصمیم گیری متناسب و متکی بر ویژگی های شخصیتی متهم در سنین پایین است. همچنین، حق دفاع و استفاده از وکیل جزو طبیعی ترین و بدیهی ترین حقوق متهم در نظام های کیفری ملی و اسناد بین المللی می باشد. برخورداری از وکیل در جریان دادرسی برای اطفال، بویژه در شرایطی که حضور در دادگاه به صلاح آنان نمی باشد بسیار ضروری است. ضمن آنکه وکیل یا مشاور با استفاده از فنون دفاع و شناخت کافی از سوابق طفل یا نوجوان بهتر میتواند به هم فکری قاضی دادگاه امکان اتخاذ تدابیر آینده ساز و اصلاحی را فراهم آورد. در همین راستا و در ماده ۴۱۵ قانون آیین

^{۱۱} - ماده ۲۹۸ قانون آیین دادرسی کیفری؛ دادگاه اطفال و نوجوانان با حضور یک قاضی و یک مشاور تشکیل می شود. نظر مشاور، مشورتی است.

^{۱۲} - ماده ۲۸۶ قانون آیین دادرسی کیفری؛ علاوه بر موارد مذکور در ماده ۳۰۲ این قانون، در جرائم تعزیری درجه پنج و شش نیز، تشکیل پرونده شخصیت در مورد اطفال و نوجوانان توسط دادرسی یا دادگاه اطفال و نوجوانان الزامی است.

دادرسی کیفری^{۱۳} هر چند حضور وکیل در جرایم تعزیری درجه هفت و هشت الزامی نیست ولی حضور وکیل برای جرایمی که رسیدگی به آنها در صلاحیت دادگاه کیفری یک و یا جرایمی که مستلزم پرداخت دیه با ارزش بیش از خمس دیه کامل است و در جرایم تعزیری درجه شش و بالاتر الزامی می باشد و در صورت عدم تعیین وکیل و یا عدم حضور وکیل بدون اعلام عذر موجه در مرجع قضایی برای متهم وکیل تعیین میشود. در مورد سایر جرایم والدین یا سرپرست قانونی طفل و نوجوان میتوانند با خود برای دفاع از طفل در دادگاه حاضر شوند و یا برای او وکیل تعیین کنند. نوجوان نیز میتواند از خود دفاع کند. به نظر می رسد عدم الزامی بودن حضور وکیل برای جرایم درجه هفت و هشت مربوط به سبک بودن این جرایم و ساده تر کردن تشریفات و سرعت در رسیدگی بوده است. از دیگر شاخصه های دادرسی افتراقی اطفال و نوجوانان، غیرعلنی و محرمانه بودن جلسه محاکمه و دادرسی است. یکی از اصول مهم تضمین کننده یک دادرسی منصفانه در امر کیفری اصل علنی بودن دادرسی است که به دلیل اهمیت و جایگاه والای آن در قانون اساسی ایران (اصل ۱۶۵) مورد تأکید قرار گرفته است اما در مورد جرائم اطفال و نوجوانان، به منظور جلوگیری از قرار گرفتن آنها در کانون توجه عموم، اصل مزبور اجرا نمی شود، حتی گاه نسبت به خود متهم. از اینرو، ماده ۴۱۳ ق.آ.د.ک حضور افراد دیگری غیر از والدین، اولیاء یا سرپرست طفل و نوجوان، وکیل، شاکی، شهود و مطلعان و مددکار اجتماعی سازمان بهزیستی در جلسه را موقوف به موافقت دادگاه دانسته است (خالقی، ۱۳۹۸؛ ۸۷). ماده ۴۱۴ ق.آ.د.ک نیز در مورد نابالغان اعلام کرده است که چنانچه مصلحت آنها اقتضاء کند، تمام یا قسمتی از دادرسی در غیاب متهم به عمل می آید. انتشار جریان محاکمه و افشای هویت طفل در سطح جامعه سبب برچسب زنی به طفل خواهد شد و این امر می تواند کودک را به سوی ارتکاب جرایم بعدی سوق دهد. سری بودن جلسات در دادگاه اطفال عنصری ضروری برای تحقق هدف کلیدی یعنی نجات کودکان از زندگی مجرمانه است به همین جهت رسیدگی به جرایم اطفال به صورت غیرعلنی صورت می پذیرد. غیر علنی بودن محاکمه طفل یک حق قانونی است که طفل در حین محاکمه از آن برخوردار می باشد. در معاهده حقوق کودک، سری بودن جلسات محاکمه طفل، تأکید شده و مقرر گردیده «محرمانه» بودن کامل موضوع در طول تمام مراحل دادرسی امری لازم است (عباچی، ۱۳۸۸؛ ۱۱۸). یکی دیگر از مقتضیات دادرسی عادلانه آن است که در فرایند کیفری در یک مدت معقول و بدون تأخیر ضروری انجام شود. منظور از تسریع در فرایند کیفری، شتاب و عجله در کار تحقیقات و قضاوت نیست بلکه منظور از تسریع این است که تا حد امکان در دادرسی گام سریعی بدون این که حقوق اساسی فرد، مثل اصل برائت و حق دفاع او و نظم قضایی صدمه وارد آید، برداشته شود (خزایی، ۱۳۷۷؛ ۱۴۱). در راستای توجه به این امر قانونگذار ایرانی در اصل ۳۲ قانون اساسی به تسریع در فرایند دادرسی کیفری اشاره می کند. ماده ۳ قانون آیین دادرسی کیفری ایران نیز به عنوان یک ماده و اصل عام و کلی بیان می دارد که مراجع قضایی باید با بی طرفی و استقلال کامل به اتهام انتسابی به اشخاص در کوتاه ترین مهلت ممکن، رسیدگی و تصمیم مقتضی اتخاذ نمایند و از هر اقدامی که باعث ایجاد اختلال یا طولانی شدن فرایند دادرسی کیفری می شود، جلوگیری کنند. و در پایان، بر خلاف بزرگسالان که آرای صادره از دادگاه در مورد آنها،

۱۳- ماده ۴۱۵ قانون آیین دادرسی کیفری: در جرائمی که رسیدگی به آنها در صلاحیت دادگاه کیفری یک است یا جرائمی که مستلزم پرداخت دیه یا ارزش بیش از خمس دیه کامل است و در جرائم تعزیری درجه شش و بالاتر، دادرسی یا دادگاه اطفال و نوجوانان به ولی یا سرپرست قانونی متهم ابلاغ می نماید که برای او وکیل تعیین کند. در صورت عدم تعیین وکیل یا عدم حضور وکیل بدون اعلام عذر موجه، در مرجع قضایی برای متهم وکیل تعیین می شود. در جرائم تعزیری درجه هفت و هشت، ولی یا سرپرست قانونی طفل یا نوجوان می تواند خود از وی دفاع یا وکیل تعیین نماید. نوجوان نیز می تواند از خود دفاع کند.

اصولاً قابل تجدیدنظر است (مگر در تعزیرات درجه هشت و جنایات با میزان کمتر از دهم دیه کامل)، در مورد اطفال و نوجوانان مطابق ماده ۴۴۵ قانون آیین دادرسی کیفری ایران، کلیه آرای صادره از دادگاه‌ها در پرونده‌های مربوط به اطفال و نوجوانان، مطلقاً قابل تجدیدنظرخواهی می‌باشد.

۴- سیاست جنایی اردن در قبال بزهکاری اطفال و نوجوان

در این مبحث، سیاست جنایی افتراقی اطفال و نوجوانان در کشور اردن مورد بررسی قرار خواهد گرفت. این بررسی بمانند مبحث قبلی در چهار بخش مجزا انجام خواهد شد؛ ابتدا به تعریف و مفهوم طفل و نوجوان از دیدگاه قانون اردن پرداخته خواهد شد و سپس سن مسئولیت کیفری در این کشور مورد مذاقه قرار می‌گیرد. در بخش سوم، قوانین ماهوی مرتبط با بزهکاری اطفال بررسی می‌شود و در نهایت، به قواعد شکلی و فرآیند دادرسی افتراقی در نظام عدالت کیفری اردن پرداخته می‌شود. هدف از این بررسی، ارائه شناختی کلی و نظام‌مند از سیاست جنایی اردن در قبال اطفال و نوجوانان بزهکار است.

۴-۱- تعریف طفل و نوجوان در حقوق اردن

اردن برای تطبیق هرچه بیشتر قوانین داخلی خود با اسناد و کنوانسیون‌های بین‌المللی، طفل را هر فرد زیر ۱۸ سال قلمداد می‌کند و سن بلوغ را چه برای دختران و چه برای پسران، ۱۸ سال تمام شمسی مدنظر قرار داده است. در این راستا بند الف ماده ۲ قانون حمایت از طفل اردن چنین بیان می‌دارد که؛ با در نظر گرفتن مفاد قانون احوال شخصیه، قانون مدنی و هرگونه قانون خاص مندرج در قوانین لازم‌الاجرا، مفهوم "طفل" به هر فردی که به سن هجده سالگی نرسیده باشد اطلاق می‌گردد.^{۱۴} ماده ۴۳ قانون مدنی اردن مصوب ۱۹۷۶ نیز در تعیین سن بلوغ بیان می‌دارد که؛ هر شخصی که به سن بلوغ رسیده باشد، از سلامت عقل برخوردار بوده و محجور قلمداد نمی‌شود و دارای اهلیت کامل برای اعمال حقوقی خود است. سن بلوغ هجده سال تمام شمسی می‌باشد.^{۱۵} شایان ذکر است که در ماده ۲ قانون بزهکاری نوجوانان (قانون الاحداث الاردن) واژه ای وجود دارد تحت عنوان حدث که در تعریف عام خود، هر شخص زیر ۱۸ سال را در برمیگیرد.^{۱۶} در تمایز بین این دو بایستی گفت که واژه حدث بیشتر در قوانین کیفری و برای اطفال و نوجوانان بزهکار کاربرد دارد در حالی که واژه طفل بیشتر در قوانین مدنی بکار می‌رود. در فرهنگ لغت‌های عرب، معادل‌های زیادی از جمله شاب، فتی، حدث، یافع، مراهق و ... برای نوجوان به چشم می‌خورد اما آنچه که در قانون الاحداث الاردن بکاررفته است، ۳ واژه حدث، مراهق و فتی می‌باشد. نزدیک‌ترین معادل برای واژه نوجوان در فارسی، واژه مراهق در عربی است. در همین راستا، تقریباً در اکثر متون فقهی، مراهق به نوجوانی گفته شده است که به سن بلوغ شرعی نرسیده، ولی تقریباً نزدیک به بلوغ است؛ در واقع کودکی که از نظر جسمی به علایم بلوغ نزدیک شده و در آستانه بلوغ است، چه پسر باشد و چه دختر را مراهق گویند (مرعی، ۱۴۱۳؛ ۱۸۹). البته برخی فرهنگ لغات دایره شمول واژه مراهق را گسترش داده و گفته‌اند؛ مراهق در پسرها کسی است که

^{۱۴}- مع مراعاة أحكام قانون الاحوال الشخصية والقانون المدني وأی أحكام خاصة وردت فی التشريعات النافذة بقصد بکلمة (الطفل) کل من لم یتم الثامنة عشرة من عمره.

^{۱۵}- کل شخص یتبلغ سن الرشد متمتعاً بقواه العقلية ولم یحجر علیه یکون کامل الأهلية لمباشرة حقوقه المدنية و سن الرشد هی ثمانی عشرة سنه شمسیه کامله.

^{۱۶}- الحدث: کل من لم یتم الثامنة عشرة من عمره

سنش بین ۱۴ تا ۲۵ سالگی بوده و در دختران ۱۲ تا ۲۱ سالگی باشد (لبدی، ۱۴۲۵؛ ۱۰۲۶). واژه حدث نیز که قانون الاحداث الاردن از آن اقتباس شده به معنای تازه، جدید، نورسیده، برنا می باشد و در معنای خاص خود، اشاره به نوجوان دارد (عبدالقادر و دیگران، ۱۴۲۵؛ ۳۳۹) که ماده ۲ این قانون به تعریف هر یک از این اصطلاحات پرداخته است. به طور خلاصه می توان گفت که بر مبنای قوانین اردن، طفل یا کودک هر فرد زیر ۱۸ سال را شامل می شود و مفهوم نوجوان که دارای مسئولیت کیفری نسبی است در دل تعریف کودک قرار دارد و افراد ۱۲ سال تا ۱۸ سال را در بر میگیرد و از صغیر (افراد زیر ۱۲ سال) که فاقد مسئولیت کیفری است، متمایز می گردد.

۴-۲- سن مسئولیت کیفری

قانونگذار اردن جهت پاسخ دهی کیفری به اطفال و نوجوانان معارض قانون، از نظام مسئولیت کیفری تدریجی تبعیت کرده است و ضمن به رسمیت شناختن مسئولیت کیفری تخفیف یافته، به تفکیک و تقسیم بندی گروه های سنی نوجوانان بزهکار پرداخته است که شباهت بسیاری به تقسیم بندی ماده ۸۸ و ۸۹ قانون مجازات اسلامی ایران دارد. قانونگذار اردن از ۳ اصطلاح حدث، مراهق و فتی برای این تفکیک و تقسیم بندی استفاده نموده است که در ادامه به تعریف هر یک از این اصطلاحات اشاره خواهد شد. نخست بایستی به مفهوم صغیر پرداخت که در قانون الاحداث به آن اشاره ای نشده است. در تعریف صغیر چنین بیان شده است که، صغیر به فردی اطلاق می شود که هنوز به مرحله ای از رشد و بلوغ عقلی نرسیده است که بتوان او را در قبال اعمال خود مسئول دانست؛ از این رو، از منظر حقوق کیفری، فاقد مسئولیت تلقی می شود (شریده العنزی، ۲۰۱۹، ۳۱۲). اصطلاح بعدی حدث می باشد که واژه ای عام است که هم شامل صغیر می شود و هم شامل نوجوان و جوان، اما استعمال آن برای نوجوان و جوان غالب تر است. در یک تعریف کلی می توان گفت، هرفردی را که سنش از هجده سال تجاوز نکرده باشد، حدث نامیده می شود. البته به دلیل کثرت استعمال این واژه برای اطفال و نوجوانان بزهکار، حدث، بیشتر معنا و بار حقوقی طفل و یا نوجوان خطاکار، منحرف و مجرم را به خود گرفته است. قانون بزهکاری نوجوانان (قانون الاحداث الاردن) نیز از همین واژه اقتباس شده است (همان، ۳۲۲). اصطلاح بعدی مراهق است. مراهق از ریشه رهق به معنای جهل، سبک مغزی، نادانی، رسیدن، لاحق شدن امری و نزدیک شدن است و رَاهَقَ الْغُلَامُ یعنی پسر به مردان لاحق شد. در واقع مراهق شخصی است که به بلوغ نزدیک شده است و رفتارهای غیر منضبط، عصبی، بدون فکر، پرخاشگرانه و بی پروایانه از خود نشان می دهد (همان، ۳۲۳). و آخرین اصطلاح فتی می باشد. فتی نیز معمولاً به معنای جوان بکار می رود. در قانون بزهکاری نوجوانان (قانون الاحداث الاردن) حدث، مراهق و فتی از هم تفکیک شده و در ماده ۲ این قانون نیز تعریف شده اند. بر اساس ماده ۲ قانون الاحداث اردن، اطفال و نوجوانان بزهکار به ۳ دسته تقسیم می شوند. نخست؛ افراد کمتر از ۱۲ سال که فاقد مسئولیت کیفری هستند (صغیر). دوم؛ افرادی که ۱۲ سال خود را به اتمام رسانیده ولی به ۱۵ سالگی نرسیده است (مراهق) و در نهایت سوم؛ افرادی که ۱۵ سال خود را به اتمام رسانده اما ۱۸ ساله نشده اند (فتی).^{۱۷} تفکیک قانون بزهکاری نوجوانان اردن به گروه های سنی مختلف، نتایج، آثار و احکام خاصی را دارد که

^{۱۷} -المادة ۲؛ المراهق: من أتم الثانية عشرة ولم يتم الخامسة عشرة من عمره.

الفتی: من أتم الخامسة عشرة ولم يتم الثامنة عشرة من عمره

از آن جمله، تعیین حداقل سن مسئولیت کیفری در قانون مجازات اردن می باشد که ۱۲ سال است در صورتی که در قانون قبلی، حداقل سن مسئولیت کیفری افراد اعم از پسر و دختر، ۷ سال بود بمانند آنچه که هم اکنون در قوانین عراق و کویت دیده می شود. البته یکی از انتقادات وارد بر قانون الاحداث اردن آن است که برای کودکان زیر ۱۲ سال هیچ گونه اقدامات تأمینی یا تربیتی پیش بینی نشده است. این مسئله موجب خلأ قانونی در برخورد با رفتارهای نابهنجار این گروه سنی (صغار زیر ۱۲ سال) می شود، چرا که در عین فقدان مسئولیت کیفری، سازوکار جایگزینی برای هدایت یا اصلاح آن ها وجود ندارد. این انتقاد تا حدی وارد است چرا که در سیاست جنایی نوین، حتی اگر کودک فاقد مسئولیت کیفری باشد، انتظار می رود قانون گذار تدابیری حمایتی، آموزشی یا تربیتی برای پیشگیری از تکرار رفتارهای ناسازگارانه وی در نظر بگیرد. فقدان چنین رویکردی در مورد کودکان زیر ۱۲ سال می تواند مانعی در مسیر اصلاح و پیشگیری از بزهکاری در سنین بالاتر باشد. کودکی که در سنین ۸ یا ۷ سالگی بعد از ارتکاب سرقت با هیچگونه اقدامی از سوی جامعه یا والدین مواجه نشود، مستعد این خواهد بود که در آینده و بزرگسالی مرتکب جرائم سنگین تر و خشونت بارتری شود (احمد سلطان، ۲۰۱۵؛ ۱۷۹). به طور خلاصه؛ حداقل سن مسئولیت کیفری برای افراد فارغ از جنسیت و نوع جرم در اردن، ۱۲ سال می باشد که قبل از آن افراد فاقد هرگونه مسئولیت کیفری قلمداد می شوند و پس از آن دوره ۱۲ تا ۱۸ سال (در بازه سنی ۱۲ تا ۱۵ سال، عمدتاً رویکردی حمایتی، مراقبتی و نظارتی نسبت به افراد در پیش گرفته شده، در حالی که از سن ۱۵ تا ۱۸ سال، این رویکرد به تدریج به سوی رویکرد کیفری سوق پیدا می کند)، دوره برخورداری از مسئولیت کیفری نسبی یا نقصان یافته است. ۱۸ سالگی نیز در اردن، به عنوان سن بلوغ در نظر گرفته شده و پس از آن دوره مسئولیت کیفری تام افراد شروع می شود.

۴-۳- مقررات ماهوی

در خصوص جرم انگاری جرائم اطفال و نوجوانان بایستی گفت که مواد ۲۵ و ۲۶ قانون بزهکاری نوجوانان اردن مصوب سال ۲۰۱۴ به همراه اصلاحات بعدی، به این امر اختصاص یافته است. ماده ۲۵ این قانون، نوجوانان ۱۵ تا ۱۸ سال تمام شمسی (فتی) را مخاطب قرار داده و برای جنایاتی که مجازات اعدام یا اعمال شاقه دارند (جرائم سنگین)، صرفاً مجازات نگهداری در کانون اصلاح و تربیت را پیش بینی کرده است و هیچ جایگزین دیگری قرار نداده است اما در مورد جرایم مندرج در بند (د) ماده ۲۵ (یعنی جنحه هایی که مجازات حبس دارند) می توان در صورت وجود اسباب مخففه قضایی، مجازات را با یکی از تدابیر ماده ۲۴ (مثل تسلیم به والدین و یا افراد دیگر، نظارت قضایی، شرکت در دوره های آموزشی، خدمات عمومی و...) جایگزین کرد. همچنین بر اساس ماده ۲۶ این قانون، که به نوجوانان ۱۲ تا ۱۵ سال (مراهق) اختصاص دارد، صرفاً در خصوص جرایمی که مستوجب مجازات اعدام و اعمال شاقه ابدی هستند، تصمیم به نگهداری در کانون اصلاح و تربیت (دارالتأدیب) اتخاذ می گردد و حتی در مورد جرایمی که مجازات آنها اعمال شاقه موقت است، در صورت وجود جهات تخفیف، امکان صدور مجازات های جایگزین مقرر در ماده ۲۴ این قانون وجود دارد. این امر حاکی از آن است که قانون گذار اردن در قبال این گروه سنی، رویکردی حمایتی و اصلاح گرایانه تر در پیش گرفته است. در

خصوص جرایم جنحه‌ای ارتكابی از سوی نوجوانان این رده سنی، قاضی مكلف است به مجازات‌های جایگزین حبس مندرج در ماده ۲۴ این قانون، نظیر سپردن نوجوان به والدین با اخذ تعهد یا الزام به انجام خدمات عمومی حکم صادر نماید و فاقد اختیار صدور حکم به نگهداری وی در قانون اصلاح و تربیت می‌باشد. در نهایت، برای جرائم خلافی (سبک) هر دو گروه سنی، تنها تذکر، سرزنش و تعهد مدنظر قرار گرفته است. در جمع‌بندی نهایی می‌توان اظهار داشت که صدور حکم به نگهداری در قانون اصلاح و تربیت، صرفاً در مورد جرایمی پیش‌بینی شده است که مشمول مجازات اعدام و یا اعمال شاقه موبد می‌باشند. در سایر موارد، قانون‌گذار با صراحت بر بهره‌گیری از تدابیر و اقدامات جایگزین مندرج در ماده ۲۴ تأکید ورزیده است. این رویکرد بیانگر سیاست اصلاح‌گرایانه و تربیت‌محور قانون‌گذار اردن در مواجهه با اطفال و نوجوانان بزهکار است. قانون‌گذار اردن در ماده ۲۴ قانون بزهکاری نوجوانان^{۱۸} مصوب ۲۰۱۴، یکسری تدابیر و اقدامات غیرسالب آزادی را به عنوان جایگزین‌هایی برای بزهکاران نوجوان مدنظر قرار داده است که برخی از این تدابیر و اقدامات همانند اقدامات بندهای الف، ب و پ و ت ماده ۸۸ قانون مجازات اسلامی ایران و مجازات خدمات عمومی رایگان بند های ت و ث ماده ۸۹ قانون مجازات اسلامی هستند. همچنین در ماده ۲۴ قانون نوجوانان اردن یکی از اقدامات پیش‌بینی شده قانونگذار، شرکت در برنامه‌های توانبخشی است که از سوی وزارت توسعه رفاه اجتماعی اردن دایر می‌گردد و تقریباً به تعهدات مندرج در موارد ۱ و ۳ موجود در بند الف ماده ۸۸ ق.م.ا ایران شباهت دارد. حضور در دوره‌های حرفه‌آموزی همانند آنچه که در شماره ۲ بند الف ماده ۸۸ ق.م.ا به آن اشاره شده است، نیز از دیگر اقدامات مندرج در ماده ۲۴ قانون الاحداث اردن است. همچنین نظارت قضایی نیز یکی دیگر از اقدامات پیش‌بینی شده در این ماده می‌باشد. با دقت در مواد ۲۴، ۲۵ و ۲۶ قانون الاحداث الاردن، می‌توان مشاهده کرد که مجازات جزای نقدی در اصلاحات قانون نوجوانان اردن مصوب ۲۰۱۴، به جهت انتقادات فراوانی که حقوقدانان اردنی برای این نوع از مجازات داشتند، حذف گردیده است. انتقاداتی از قبیل مغایرت با اصل شخصی بودن مجازات‌ها، عدم اشتغال نوجوانان و نداشتن درآمد کافی جهت پرداخت جریمه نقدی، نداشتن هیچگونه رویکرد بازپرورانه و اصلاحی برای نوجوان بزهکار و ... که باعث حذف آن در سال ۲۰۱۴ و اصلاحات بعدی گردید اما این نوع مجازات، هنوز هم در قانون مجازات اسلامی ایران دارای اعتبار بوده و به موجب بندهای پ، ت و ث ماده ۸۹ ق.م.ا برای نوجوانانی که مرتکب جرائم مستوجب تعزیر درجه ۵ تا ۸ شوند، اعمال می‌گردد. با بررسی مواد قانون الاحداث اردن، مشخص می‌شود که هیچ ماده قانونی خاصی به صورت صریح به مقوله «تعدد جرم» در بزهکاری اطفال و نوجوانان نپرداخته است. با این حال، رویه قضایی و عملکرد عملی دادگاه‌های این کشور، با استناد به بند (الف) ماده ۴ «قانون الاحداث» اردن^{۱۹}، که بر اصل تفسیر کودک‌مدارانه تأکید دارد و بر لزوم رعایت منافع عالی‌ه کودک و توجه به اصلاح و بازپروری و به حمایت از وی در فرآیند اجرای قانون صحه می‌گذارد، به این نتیجه رسیده‌اند که قواعد مربوط به تعدد جرم چه نسبت به اطفال و چه نسبت به نوجوانان همانند مقررات مربوط به تکرار جرم اعمال نمی‌شود^{۲۰} در صورتی

^{۱۸}- مع مراعاة احكام المادتين (۲۵) و (۲۶) من هذا القانون للمحكمة اتخاذ ای من التدابیر غیر السالبة للحریة التالیة: اللوم والتأنیب، التسلیم، الأشراف القضائی...

^{۱۹}- تراعی مصلحة الحدت الفضلی وحمایته وإصلاحه وتأهیله ورعايته عند تطبیق احكام هذا القانون.

که در ایران، با استناد به نظریه مشورتی که قبلاً مورد اشاره قرار گرفت و نیز مفاد ماده ۱۳۸ قانون مجازات اسلامی، اعمال قواعد مربوط به تعدد و تکرار جرم نسبت به اطفال ممنوع اعلام شده است، حال آن‌که چنین ممنوعیتی برای نوجوانان پیش‌بینی نشده است. این تمایز، در عین حال که واجد آثار مهمی است، فاقد مبنای منطقی و توجیه حقوقی قابل قبول به‌ویژه در چارچوب اصول حاکم بر حقوق کودک، از جمله اصل تفسیر کودک‌مدارانه قوانین کیفری، اصل حداقل مداخله کیفری و اصل قضازدایی، می‌باشد. اعمال قواعد شدیدتر نسبت به نوجوانان، بدون توجه به وضعیت سنی، روانی و تربیتی آنان، با ملاحظات عدالت کیفری نوجوانان سازگار نیست؛ حال آنکه مطابق با قوانین ایران یک دختر ۱۰ ساله بالغ و نوجوان محسوب می‌گردد و در معرض اعمال قواعد تعدد و تکرار در جرائم حدی می‌باشد^{۲۱}. و در آخر، بند ز ماده ۴ قانون نوجوانان اردن^{۲۲} اشاره می‌کند که، محکومیت طفل و نوجوان به ارتکاب یک جرم، سابقه کیفری محسوب نمی‌شود و مراجع ذیصلاح نیز موظفند هرگونه سابقه کیفری مربوط به نوجوان را پس از رسیدن او به سن هجده سالگی حذف نمایند، تقریباً مشابه آنچه که ماده ۹۵ قانون مجازات اسلامی ایران به آن اشاره می‌کند.^{۲۳}

۴-۴- مقررات شکلی و دادرسی افتراقی اطفال و نوجوانان در اردن

تاسیس دادگاه‌های تخصصی اطفال از ضروریات یک سیاست جنایی قضایی و دادرسی افتراقی اطفال و نوجوانان است. در کشورهای عربی نیز اولین دادگاه اطفال جهان عرب، در مصر و در تاریخ ۱۹۰۵ دایر گردید (عبداللطیف، ۲۰۰۹؛ ۱۱۶). در اردن پیش از دهه ۱۹۵۰ میلادی، به دلیل قبیله‌ای بودن و گستردگی خانواده‌های اردنی، عدم پیچیدگی روابط و پیوستگی‌های اجتماعی قوی، حاکمیت اخلاق و مذهب، قوانین اندک و نهادینه شده در ضمیر و روح افراد، هویت و فرهنگ جمعی و در نهایت همان ویژگیاتی که دورکیم برای جوامع مکانیکی بمانند جامعه اردن پیش از دهه ۱۹۵۰ برشمرده بود، رسیدگی به انحرافات و جرائم اطفال و نوجوانان بزهکار بیشتر با خانواده و قبیله آنان بود و نقض هنجارهای پذیرفته شده جامعه توسط اطفال و نوجوانان وجدان جمعی افراد جامعه را برانگیخته می‌کرد. البته اردن یکی از کشورهای پیشگام جهان عرب در حوزه سیاست جنایی اطفال است و پیش از ایجاد اولین دادگاه اطفال و نوجوانان اردن، قوانین و نهادهای مرتبط با اطفال در اردن به تصویب رسیده و تاسیس شده بودند اما اولین دادگاه تخصصی اطفال اردن در سال ۱۹۸۰ و در پایتخت این کشور یعنی شهر امان دایر گردید و پس از آن سه دادگاه اطفال دیگر، در دیگر نقاط اردن تاسیس شد. همچنین وزارت کار و توسعه اجتماعی اردن به منظور تامین قضات آموزش دیده و متخصص برای این دادگاه‌ها از وزارت دادگستری اردن درخواست کمک کرد و به همین منظور برخی از قضات جهت آموزش و آماده سازی جهت کار در این دادگاه‌های ویژه به خارج از اردن اعزام شدند تا درباره بزهکاری نوجوانان و نحوه رسیدگی به پرونده‌های اطفال و نوجوانان بزهکار آموزش ببینند (سعید

۲۱- ماده ۱۳۲ قانون مجازات اسلامی؛ در جرائم موجب حد، تعدد جرم، موجب تعدد مجازات است مگر در مواردی که جرائم ارتكابی و نیز مجازات آنها یکسان باشد. تبصره ۱؛ چنانچه مرتکب به اعدام و حبس یا اعدام و تبعید محکوم گردد، تنها اعدام اجراء می‌شود ...
ماده ۱۳۶ قانون مجازات اسلامی؛ هرگاه کسی سه بار مرتکب یک نوع جرم موجب حد شود و هربار حد آن جرم بر او جاری گردد، حد وی در مرتبه چهارم اعدام است.

۲۲- لا تعتبر ادانة الحدت بجرم من الاسبقیات ولا تطبق بحقه احكام التكرار المنصوص عليها فی قانون العقوبات او ای قانون اخر و علی الجهات المختصة شطب ای قید مه ما كان عن الحدت عند اكتماله سن الثامنة عشرة

۲۳- ماده ۹۵ قانون مجازات اسلامی؛ محکومیت‌های کیفری اطفال و نوجوانان فاقد آثار کیفری است.

منور، ۲۰۱۹؛ ۴۵). سمینارهای ویژه ای نیز در خود اردن با همکاری متخصصان بین المللی برگزار گردید. با وجود تمامی تلاش‌های صورت گرفته، اما هنوز اردن نتوانسته است تمامی اصول و مواد قانونی مرتبط با اطفال را به طور کامل در مرحله اجرا پیاده‌سازی نماید. در این راستا، شکاف‌هایی نیز بین مرحله تقنین و اجرا مشاهده می‌شود که نیازمند توجه و اصلاح است. برای مثال در اصول و مواد قانونی به فوریت داشتن پرونده های اطفال اشاره شده است و نایستی این پرونده ها با اطلاع دادرسی و تاخیر روبرو شوند اما در عمل اینگونه نیست یا عدم همکاری لازم و متقابل مابین دادگاه اطفال و اداره رفاه اجتماعی و پلیس ویژه اطفال و... (Irfaifeh, 1990, 10). همچنین قانون‌گذار اردن، در مرحله آغازین تحقیقات مقدماتی، مسئولیت دستگیری و جمع‌آوری ادله در خصوص جرائمی که مرتکب آن کودک یا نوجوان است را نه به مراجع عمومی و قانونی رسیدگی به جرائم بزرگسالان، بلکه به نهادی تخصصی تحت عنوان «پلیس ویژه اطفال و نوجوانان» (شرطه الأحداث) محول کرده است. بر اساس ماده ۲ قانون الاحداث، این واحد تخصصی در چارچوب اداره امنیت عمومی تأسیس شده و به طور انحصاری صلاحیت رسیدگی به امور کیفری مرتبط با اطفال و نوجوانان را دارد. مطابق این رویکرد، هیچ کدام از اشخاص حقیقی یا حقوقی دیگر، اعم از نهادهای عمومی یا انتظامی، مجاز به بازداشت یا انجام تحقیقات مقدماتی نسبت به متهمین طفل یا نوجوان نیستند. اختصاص نهادی تخصصی برای رسیدگی به جرائم اطفال و نوجوانان، بیانگر گرایش نظام عدالت کیفری اردن به افتراقی‌سازی فرایند دادرسی در خصوص این قشر سنی است. هدف اصلی از این سیاست، نه صرفاً تعقیب و مجازات، بلکه حمایت، مراقبت و اصلاح کودکان و نوجوانان بزهکار است. به همین دلیل، از آغاز روند کیفری، یعنی مرحله جمع‌آوری ادله، تمامی اقدامات باید از سوی نیروی پلیسی انجام شود که آگاهی کامل از ویژگی‌های روانی و اجتماعی این گروه سنی داشته و دارای تجربه و مهارت کافی در تعامل با آنان است. این تمهیدات در راستای تضمین حقوق طفل در فرآیند دادرسی و ارتقاء کارآمدی پاسخ‌های تربیتی و حمایتی اتخاذ شده اند (خدار، ۲۰۱۶؛ ۶۹). پلیس قضایی اردن، وظیفه جمع‌آوری ادله و اطلاعات مرتبط با جرم ارتكابی، شناسایی مرتکب و تنظیم مستندات قانونی در قالب فرم‌های تعیین شده را بر عهده دارد و این مستندات را جهت اتخاذ تصمیمات قضایی به دادستانی عمومی ارسال می‌کند. با این حال، در مواردی که متهم طفل یا نوجوان باشد، قانون‌گذار تدابیر استثنایی و حمایتی خاصی پیش‌بینی کرده است تا مصالح عالی‌ه ایشان در فرآیند کیفری حفظ گردد. یکی از مهم‌ترین این تدابیر، دخالت پلیس ویژه اطفال و نوجوانان در حل و فصل اختلافات و شکایات، پیش از ارجاع پرونده به مرجع قضایی است. مطابق بند الف ماده ۱۳ قانون الاحداث^{۲۴}، در خصوص تخلفات و جرائم جنحه‌ای که مجازات قانونی آن‌ها حداکثر دو سال حبس است، چنانچه طرفین اختلاف رضایت داشته باشند، پلیس ویژه اطفال و نوجوانان می‌تواند در قالب سازوکارهای میانجی‌گرانه و توافقی، رسیدگی به موضوع و حل و فصل دعوی را بر عهده گیرد. هدف از این رویکرد، پیشگیری از ورود طفل یا نوجوان به فرایند رسمی دادرسی کیفری و پرهیز از پیامدهای منفی ناشی از آن است. مداخله پلیس در این مرحله، با ماهیت ترمیمی و توافق‌محور،

۲۴- المادة ۱۳

أ- تتولى شرطه الأحداث تسوية النزاعات في المخالفات والجناح التي لا تزيد عقوبتها عن سنتين بموافقة أطراف النزاع على التسوية وذلك في الجرائم التي يتوقف النظر فيها على شكوى المتضرر.

ب- إذا لم تتم التسوية المنصوص عليها في الفقرة (أ) من هذه المادة تتولى المحكمة المختصة تسوية النزاع وفق احكام هذا القانون.

ج- لقاضي تسوية النزاع ان يجرى التسوية بنفسه او احالتها الى اى جهة او اى شخص مشهود له باصلاح ذات البين يعتمدها الوزير وفقا لنظام يصدر لهذه الغاية

در چارچوب اصول عدالت ترمیمی انجام می‌پذیرد و با تلاش برای دستیابی به توافقی دوستانه میان طرفین، ضمن احترام به اراده و رضایت آنان، تلاش می‌شود از آغاز فرایند رسمی کیفری جلوگیری گردد. این سازوکار، که در جرائم سبک (تخلفات و جنحه‌های مستوجب حداکثر دو سال حبس) اعمال می‌شود، نشانگر نگاه حمایتی و افتراقی نظام حقوقی اردن به بزهکاری اطفال و نوجوانان است (یاسین الرکابی، ۲۰۱۷؛ ۱۴۶). تسریع در رسیدگی و فوریت داشتن پرونده‌های اطفال و نوجوانان نیز از جمله مهم‌ترین اصول دادرسی افتراقی اطفال و نوجوانان است که به موجب بند آخر ماده ۴ قانون بزهکاری نوجوانان اردن مصوب ۲۰۱۴، پرونده‌های مربوط به اطفال و نوجوانان، از جمله پرونده‌های فوری محسوب می‌شوند.^{۲۵} همچنین با در نظر گرفتن شخصیت کودک و نوجوان متهم به نقض قوانین کیفری و به جهت پرهیز از نهادینه شدن بزهکاری در وی در اثر برجسب زنی، اعتقاد بر این است که بایستی در رسیدگی به اتهامات این دسته از افراد، از اقدامات و تدابیر افتراقی بهره جست که یکی از این موارد محاکمه و رسیدگی غیرعلنی و محرمانه به پرونده‌های اطفال و نوجوانان بزهکار است و در همین راستا ماده ۱۷ قانون الاحداث اردن، تاکید بر محاکمه نوجوان به صورت غیرعلنی دارد و در صورت علنی بودن، آن را فاقد ارزش و اعتبار می‌داند. همچنین هیچ‌کس اجازه حضور در دادگاه را ندارد، مگر مددکار اجتماعی، وکیل نوجوان، والدین یا سرپرست قانونی او (ولی، قیم یا حضانت‌کننده حسب مورد)، و افرادی که دادگاه حضورشان را ضروری بداند و ارتباط مستقیمی با پرونده داشته باشند^{۲۶}. تصریح بر حق بهره‌مندی طفل از معاضدت‌های قضایی رایگان نیز، یکی دیگر از شاخصه‌های سیاست جنایی افتراقی اطفال و نوجوانان در اردن می‌باشد که قانونگذار اردن در قانون الاحداث به حق طفل متهم به نقض قانون در بهره‌مندی از معاضدت قضایی رایگان اشاره کرده است. بر این اساس، دادگاه موظف است در پرونده‌های جنایی، در صورتی که طفل وکیل نداشته باشد، برای او وکیل تعیین نماید و هزینه وکالت از خزانه دولت پرداخت می‌شود (خدار، ۲۰۱۶؛ ۸۲). مطابق قانون آیین دادرسی کیفری اردن، وکیل طفل موظف به حضور در تمامی مراحل تحقیق و محاکمه است. همچنین، ماده (۲۲) قانون مذکور در خصوص نحوه محاکمه طفل مقرر می‌دارد: محاکمه طفل جز با دعوت یکی از والدین، ولی، قیم یا سرپرست قانونی او، حسب مورد، و با حضور مددکار اجتماعی و وکیل طفل جایز نیست. این امر حضور وکیل طفل به همراه ناظر رفتاری و یکی از والدین، ولی، قیم یا سرپرست قانونی او را در تمامی مراحل محاکمه، اعم از جنحه و جنایت، الزامی می‌سازد. علاوه بر این موارد یکی از جلوه‌های دادرسی افتراقی اطفال و نوجوانان در اردن، وجود دفتر نظارت در هر دادگاه است که مطابق بند الف ماده ۱۰ قانون الاحداث^{۲۷}، وجود چنین دفتری مشروط بر این است که حداقل یکی از کارکنان آن دارای تخصص در روان‌شناسی یا علوم اجتماعی باشد. ناظر رفتاری یا مأمور ناظر (المراقب السلوک) یکی از ارکان کلیدی فرآیند عدالت کیفری نوجوانان به شمار می‌آید. وظیفه اصلی این فرد، نظارت بر اصلاح، تربیت و بازپذیری اجتماعی کودک یا نوجوانی است که مرتکب بزه شده است یا در معرض خطر بزه‌کاری قرار دارد. ناظر رفتاری وظیفه دارد تا با تهیه گزارش‌های دقیق از وضعیت خانوادگی، روانی، اجتماعی و تحصیلی نوجوان، به

^{۲۵}- تعتبر قضايا الأحداث من القضايا المستعجلة

^{۲۶}- تجرى محاكمة الحدث بصورة سرية تحت طائلة البطلان، ولا يسمح لاحد بحضور المحاكمة باستثناء مراقب السلوك ومحامي الحدث والديه، او وليه، او وصيه، او حاضنه، حسب مقتضى الحال ومن تقرر المحكمة حضوره ممن له علاقة مباشرة بالدعوى.

^{۲۷}- ينشأ مكتب لمراقب السلوك فى كل محكمة على ان يكون احد موظفيه متخصصا فى علم النفس أو الاجتماع.

قاضی در اتخاذ تصمیمات عادلانه و متناسب کمک نماید و مطابق بند (الف) ماده ۱۱ قانون الاحداث اردن^{۲۸}، تهیه گزارش های مذکور از سوی ناظر رفتار الزامی است. همچنین، چنانچه دادگاه خواستار دریافت گزارش های تکمیلی درباره وضعیت و شرایط طفل باشد، ناظر موظف به ارائه آن است. تخلف از این تکلیف، مطابق بند (ب) ماده ۱۱ قانون، موجب اعمال ضمانت اجرای انتظامی خواهد بود. در این گزارش ها، او به بررسی شرایط زندگی نوجوان، نوع بزه ارتكابی، تأثیر محیط اجتماعی، سطح آگاهی و مسئولیت پذیری کودک و همچنین آمادگی وی برای اصلاح و بازگشت به جامعه می پردازد. قاضی با استناد به این گزارش ها، تصمیم می گیرد که آیا نوجوان باید به مراکز بازپروری فرستاده شود، تحت نظارت قضایی قرار گیرد، یا بهره مند از اقدامات جایگزین همچون تسلیم به والدین یا میانجی گری گردد. در اینجا دو نکته اساسی و قابل توجه وجود دارد: نخست آنکه، گزارش های ناظر رفتار که در نظام حقوقی اردن مشابه با پرونده شخصیت در آیین دادرسی کیفری ایران است، نقشی محوری و مؤثر در روند دادرسی و صدور رأی ایفا می کند. برخلاف نظام قضایی ایران که در آن، پرونده شخصیت معمولاً جایگاهی فرعی و مشورتی دارد، در اردن این گزارش ها از جایگاه اصلی و الزام آور برخوردارند؛ به گونه ای که ناظر رفتار مکلف به تهیه آن ها و قاضی ملزم به بررسی و ملاحظه محتوای آن ها در تصمیم گیری قضایی است. دوم آنکه، ناظر رفتار در نظام دادرسی اطفال در اردن، نقشی کلیدی و حیاتی دارد؛ به نحوی که مطابق ماده ۲۲ قانون الاحداث^{۲۹}، برگزاری جلسه دادرسی بدون حضور ناظر رفتار و وکیل امکان پذیر نیست. هدف اصلی از گماردن ناظر رفتاری در چارچوب قانون الاحداث اردن، تضمین رویکرد تربیتی و حمایتی به جای رویکرد تنبیهی صرف است. در خصوص تجدیدنظرخواهی از آرای صادره نیز بایستی گفت؛ قانون بزهکاری نوجوانان اردن تفکیکی از این حیث پیش بینی نکرده است و مطابق بند «ه» ماده ۱۵ این قانون، تجدیدنظرخواهی از آرای صادره در پرونده های اطفال و نوجوانان بزهکار تابع مقررات عمومی آیین دادرسی کیفری اردن می باشد.^{۳۰}

۵- نتیجه گیری

با نگاهی تطبیقی به روند شکل گیری سیاست جنایی افتراقی نسبت به اطفال و نوجوانان در ایران و اردن، می توان گفت هر دو کشور از جمله نظام های حقوقی منطقه محسوب می شوند که به تدریج در مسیر تمایزگذاری میان بزهکاران بزرگسال و خردسال گام نهاده اند. در این راستا، هر دو کشور سابقه ای نسبتاً طولانی در تدوین مقررات ویژه و تأسیس نهادهای مختص به اطفال و نوجوانان دارند، اگرچه در زمان بندی و مسیر تحول، تفاوت های بنیادین مشاهده می شود. نخستین جلوه های سیاست جنایی افتراقی در ایران به تصویب قانون تشکیل دادگاه های اطفال در سال ۱۳۳۸ شمسی (۱۹۵۹ میلادی)

^{۲۸} علی مراقب السلوك ان يقدم للمدعی العام عند مباشرة التحقيق تقريرا خطيا مفصلا يتضمن المعلومات المتعلقة بأحوال الحدث واسرته والظروف المحيطة به بما في ذلك ك المادية والاجتماعية والبيئة التي نشأ وتربي فيها، وبمدرسته وتحصيله العلمي، وعلی مراقب السلوك تقديم تقارير لاحقة للمحكمة بهذا الخصوص كلما استدعت الحاجة ذلك.

ب- إذا أخل مراقب السلوك بأى من الواجبات الموكولة اليه فللمحكمة طلب استبداله بغيره ومخاطبة الوزير لاتخاذ الاجراء التأديبي المناسب بحقه

^{۲۹} لا يجوز محاكمة الحدث الا بدعوة أحد والديه، او وليه، او وصيه، او حاضنه حسب مقتضى الحال وبحضور مراقب السلوك ومحامى الحدث.

^{۳۰} تخضع الاحكام الصادره عن محكمة الصلح والبدایة الى احكام وإجراءات الطعن والاعتراض المنصوص عليها في قانون محاكم الصلح وقانون اصول المحاكمات الج زائفة

بازمی‌گردد؛ قانونی که برای نخستین بار دادگاهی ویژه با ساختار و رویه‌های متمایز از دادرسی بزرگسالان ایجاد کرد. این روند با تحولاتی در دهه‌های اخیر، به‌ویژه با تصویب قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ و قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، به‌صورت تدریجی گسترش یافت و نهادها و مقررات افتراقی بیشتری به ساختار حقوقی ایران افزوده شد. در مقابل، اردن هرچند از دهه ۱۹۶۰ میلادی با تصویب نخستین قانون الاحداث (۱۹۶۸) وارد عرصه تمایزگذاری کیفری نسبت به اطفال شد، اما تحولات ساختاری و بنیادین‌تر آن عمدتاً با تصویب قانون جدید الاحداث در سال ۲۰۱۴ رقم خورد. قانون الاحداث اردن با نگاهی هماهنگ با اسناد بین‌المللی مانند کنوانسیون حقوق کودک (CRC) و همکاری اردن با نهادهای بین‌المللی مثل یونیسف، سیاست جنایی افتراقی نسبتاً منسجمی را نهادینه ساخته است، هرچند هنوز با وضعیت مطلوب فاصله وجود دارد. ایران قریب به یک دهه زودتر از اردن وارد مسیر افتراقی سازی سیاست جنایی اطفال و نوجوانان شده و هرچند مسیر آن دارای نوسانات و چالش‌هایی بوده، روند توسعه آن نسبت به اردن پیوسته‌تر و زود هنگام‌تر بوده است. در مقابل، اردن با اصلاحات یکپارچه و به‌روزشده در دهه‌های اخیر، ساختاری متمرکزتر، منسجم‌تر و مدرن‌تر در عرصه عدالت کیفری کودکان ارائه داده است. قانون الاحداث اردن به‌طور کلی رویکردی اصلاحی، درمانی و بازپرورانه دارد و همانگونه که بند الف ماده ۴ این قانون اشاره می‌نماید، در تمامی مراحل دادرسی باید مصلحت عالی کودک در اولویت قرار گیرد و تلاش شود که از او حمایت، مراقبت و بازپروری مناسب صورت گیرد. همچنین در جهت نفی رویکرد سزادارانه این قانون می‌توان به بند ج ماده ۴ همین قانون اشاره کرد که اشعار می‌دارد؛ حکم اعدام یا اشتغال به اعمال شاقه برای کودک در هیچ صورتی صادر نمی‌گردد. در بند ه ماده ۴ نیز قانونگذار اردن اشاره می‌کند که در هر شرایطی باید اطمینان حاصل شود که هیچ‌یک از تدابیر یا اقدامات اتخاذ شده در این قانون، مانع از ادامه تحصیل کودک نمی‌شود و همه نهادهای مربوطه موظفند اقدامات لازم را برای تضمین این امر انجام دهند. همچنین اتخاذ تدابیری بمانند نظارت قضایی، حرفه آموزشی، شرکت در دوره‌های آموزشی و تربیتی، حمایت از کودکان و نوجوانان درگیر اعتیاد و فقر و ... در مواد مختلف این قانون موید رویکرد بازپرورانه، اصلاحی و تربیتی نظام قضایی اردن در قبال اطفال و نوجوانان بزهکار است. همچنین قانونگذار اردنی در رابطه با اطفال، اصل مراقبت‌های پس از خروج از کانون اصلاح و تربیت را پذیرفته است و در همین راستا، نظام مراقبت‌های پس از خروج اطفال در قانونی با عنوان مراقبت‌های پس از خروج از کانون اصلاح و تربیت برای اصلاح رفتار بشماره ۶۷ سال ۲۰۱۶ میلادی صادر شده است. مراقبت‌های پس از خروج به معنای خدمات ارائه شده برای بازگرداندن طفل آزاد شده از کانون و کمک به او برای بازگشت به محیط و جایگاه اجتماعی خود و تأمین امنیت او تعریف شده است. همچنین، این مراقبت‌ها مکمل فرایند اصلاح و عدالت ترمیمی هستند و هدف از آن تکمیل اجرای برنامه‌های عدالت ترمیمی، افزایش حس مسئولیت در طفل، کمک به او برای سازگاری و ادغام مجدد اجتماعی، آموزش و پیشگیری از بزهکاری است. در ایران که رویکرد غالب قوانین مبتنی بر فقه است و بلوغ شرعی، معیاری برای مسئولیت کیفری افراد در نظر گرفته شده است، سن مسئولیت کیفری مورد انتقاد است. گرچه تدبیر بی سابقه مقنن در ماده ۹۱ ق.م.ا گامی شایسته و قابل تقدیر است اما در راستای حفظ دماء و احتیاط و دقت در اجرای حدود شرعی، بهتر این بود که در تعیین حداقل سن مسئولیت کیفری تجدید نظری صورت گیرد چرا که هنوز هم دختر ۱۰ یا ۱۱ ساله در خطر اعمال و اجرای مجازات‌های شدید و سنگین حدی قرار دارد. البته شایان ذکر است که در تعیین سن بلوغ شرعی و همچنین در تعیین نشانه‌های بلوغ، هم برای پسران و هم برای

دختران، اختلاف نظر قابل توجهی هم در بین فقهای شیعه و هم در بین مذاهب مختلف اهل سنت دیده می شود که از حیثه بحث این نوشتار خارج است. قانونگذار ایران با تفکیک مجازات های تعزیری از مجازات های حدی و قصاص، رویکردی دوگانه در برخورد با بزهکاری اطفال و نوجوانان در پیش گرفته است و این رویکرد دوگانه موجب عدم انسجام در سیاست جنایی نسبت به اطفال و نوجوانان شده است، چرا که از یک سو اصل حمایت و تربیت مطرح می شود و از سوی دیگر، در مواردی امکان دارد با صدور مجازات های شدید مواجه شویم برای مثال اگر در پرونده ای مانند قتل توسط نوجوان ۱۵ ساله، چنانچه دادگاه رشد و کمال عقلی وی را احراز کند، امکان صدور حکم قصاص وجود دارد. همچنین پیشنهاد می شود نقش مشاوران و مددکاران اجتماعی در فرآیند دادرسی افتراقی اطفال در ایران تقویت گردد تا تصمیم گیری های قضایی بر پایه ارزیابی های تخصصی صورت گیرد. همچنین، توجه جدی به تشکیل و بررسی پرونده شخصیت کودک می تواند در انتخاب اقدامات مناسب تربیتی و حمایتی نقش مؤثری ایفا کند. در نهایت، گرچه هر دو کشور اردن و ایران طی سال های اخیر گام های مثبت و قابل توجهی در جهت افتراقی سازی سیاست جنایی اطفال برداشته اند، اما همچنان با کاستی ها و چالش هایی مواجه اند و با وضعیت مطلوب فاصله دارند.

منابع

- ۱- آشوری، محمد (۱۳۷۹)، آیین دادرسی کیفری جلد دوم، چاپ اول، انتشارات سمت
- ۲- آشوری، محمد (۱۳۸۲)، جایگزین های زندان یا مجازات های بینابین، چاپ اول، نشر گرایش
- ۳- اردبیلی، محمدعلی (۱۳۹۹)، حقوق جزای عمومی، جلد دوم، چاپ پنجاه و چهارم، تهران، انتشارات میزان
- ۴- اردبیلی، محمدعلی (۱۳۹۴)، حقوق جزای عمومی، جلد سوم، چاپ ششم، تهران، انتشارات میزان
- ۵- احمد سلطان، عثمان (۲۰۱۵)، المسئولية الجنائية للاطفال المنحرفين دراسة المقارنه، المؤسسة الفنيه للطباعة و النشر، امان، اردن
- ۶- أحمد ربابعة، أسماء محمد (۲۰۲۴)، المصلحة الفضلى للعدالة التقويمية في قانون الأحداث الأردني، المجلة العربية الألمانية لعلوم الشريعة والقانون، رقم ۳
- ۷- اشرف خالد، محمد و عبدالمجيد، طارق (۲۰۲۰) ضمانات الحدث الجانح في القانون الاحداث الاردني و مبادئ العدالة الجنائية الدولي، المجلة القانونية، كلية الحقوق، جامعه الاسراء رقم ۳۲
- ۸- الظفيري، زيد خلف (۲۰۱۹)، بدائل الاحتجاز في قانون الاحداث الاردني، دار وائل للنشر، اسكندرية
- ۹- الهام، غلامحسين و برهانی، محسن (۱۴۰۰)، درآمدی بر حقوق جزای عمومی (جرم و مجرم)، تهران، انتشارات میزان

- ۱۰- پیکا، ژرژ (۱۳۹۳)، جرم شناسی، ترجمه دکتر علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران، نشر میزان
- ۱۱- توجهی، عبدالعلی (۱۳۹۶)، آسیب شناسی قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، چاپ سوم، انتشارات قوه قضائیه
- ۱۲- حسینی، سید محمد (۱۳۹۹)، سیاست جنایی در اسلام و در جمهوری اسلامی، تهران، انتشارات سمت
- ۱۳- حیدری، مسعود (۱۳۹۵)، بررسی تطبیقی سن مسئولیت کیفری اطفال در فقه اسلامی، اسناد بین المللی و قانون مجازات اسلامی، سال سوم، شماره یک، نشریه پژوهش تطبیقی اسلام و غرب
- ۱۴- خالقی، علی (۱۳۹۸)، آیین دادرسی کیفری، جلد اول و دوم، چاپ چهارم، تهران، انتشارات حقوقی شهر دانش
- ۱۵- خدار، حسن جو (۲۰۱۶)، قانون الاحداث الجانحین، عمان، دار الثقافه و النشر
- ۱۶- دانش، تاج زمان (۱۳۹۳)، دادرسی اطفال بزهکار در حقوق تطبیقی، چاپ پنجم، تهران، نشر میزان
- ۱۷- زرمائن، ژان (۱۳۷۸)، دادرسی نوجوانان- آموزه های تجربی، ترجمه حمید مرعشی، مجموعه سخنرانی های ارائه شده در کارگاه های آموزشی در سیون- سوئیس
- ۱۸- شاملو، باقر (۱۳۹۰)، عدالت کیفری و اطفال، چاپ اول، تهران، انتشارات جنگل
- ۱۹- شریده العنزی، غسان (۲۰۱۹)، المسئولیه الجزائیه للاحداث الجانحین فی القانون الاردنی، دار التعليم
- ۲۰- صبوری پور، مهدی و علوی صدر، فاطمه (۱۳۹۴)، سن مسئولیت کیفری کودکان و نوجوانان در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، سال ششم، شماره اول، پژوهشنامه حقوق کیفری
- ۲۱- صلاحی، جاوید (۱۳۸۹)، بزهکاری اطفال و نوجوانان، چاپ هشتم، تهران، نشر میزان
- ۲۲- عباچی، مریم (۱۳۸۸)، حقوق کیفری اطفال در اسناد سازمان ملل متحد، چاپ دوم، تهران، انتشارات مجد
- ۲۳- عباسی، مجتبی (۱۳۹۴)، بزهکاری اطفال، چاپ دوم، تهران، انتشارات مجد
- ۲۴- عبدالقادر، حامد، مصطفی، ابراهیم و نجار، محمدعلی (۱۴۲۵ق) معجم الوسیط، انتشارات مکتبه الشروق الدولیه
- ۲۵- عبداللطیف، براء منذر (۲۰۰۹)، السیاسه الجنائیه فی القانون رعایه الاحداث، دار الحامد للنشر و التوزیع
- ۲۶- قیاسی، جلال الدین و دهقان، حمید و خسروشاهی، قدرت الله (۱۳۹۱)، حقوق جزای عمومی اسلام و حقوق موضوعه، جلد اول، قم، انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه
- ۲۷- کریستین، لازرژ (۱۳۸۸)، درآمدی بر سیاست جنایی، ترجمه دکتر علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران، انتشارات میزان

- ۲۸- کشفی، سعید (۱۳۸۷)، نقش پلیس در دادرسی کودکان و نوجوانان، فصلنامه دانش انتظامی، سال دهم؛ شماره ۱
- ۲۹- کونیک شوفر، مایکل (۱۳۸۲)، نقش مددکار اجتماعی در نظام دادرسی نوجوانان، گزارش کارگاه آموزشی مشترک یونسف و سازمان زندان ها و اقدامات تامینی و تربیتی برای مددکاران اجتماعی تهران ۱۰ تا ۱۲ مهرماه ۱۳۸۰
- ۳۰- کی نیا، مهدی (۱۳۹۷)، مبانی جرم شناسی جلد اول، چاپ هیجدهم، انتشارات دانشگاه تهران
- ۳۱- لبدی، عبدالعزیز (۱۴۲۵ق)، القاموس الطبی العربی، چاپ اول، امان، اردن، دار البشیر
- ۳۲- محمدطوباسی، سهیرامین (۲۰۱۵)، العدالة الاصلاحیه الاحداث فی القوانين الجزائیه الاردنیه، الجامعه الاردنیه
- ۳۳- محمودی، ژیلا (۱۴۰۳)، بزهکاری اطفال و حمایت های کیفری، چاپ اول، تهران، انتشارات موسسه فرهیختگان قانون بار
- ۳۴- مرعی، حسین عبدالله (۱۴۱۳ق)، القاموس الفقهی، چاپ اول، بیروت، دار المجتبی
- ۳۵- معصومی ورکی، محسن (۱۴۰۱)، مجازات های جایگزین اطفال بزهکار، چاپ نخست، تهران، زمزمه جاوید
- ۳۶- معظمی، شهلا (۱۴۰۱)، بزهکاری اطفال و نوجوانان، چاپ سیزدهم، تهران، انتشارات دادگستر
- ۳۷- معظمی، شهلا، بشیریه، تهمورث، و علیپور کیوی، هدی (۱۴۰۴)، بازشناسی الگوهای نوین پاسخ دهی به بزهکاری اطفال و نوجوانان در حقوق انگلستان با نگاهی به حقوق ایران، دوره ۸، شماره ۲۶، فصلنامه تحقیق و توسعه در حقوق تطبیقی
- ۳۸- مظلومان، رضا (۱۳۵۳)، جرم شناسی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران
- ۳۹- منصور الحر، صالح (۲۰۱۸)، العقوبات البدلیه لجرائم الاحداث و مدى فاعلیه تطبیقها-دراسه مقارنه، دار وائل للطباعة والنشر والتوزیع
- ۴۰- مهرا، نسرین (۱۳۸۵)، قوانین و مقررات ایران در قبال اطفال و نوجوانان بزهکار، حال و آینده، شماره ۲۰، فصلنامه الهیات و حقوق
- ۴۱- موذن زادگان، حسین علی (۱۳۸۳)، دادرسی کیفری ویژه اطفال در حقوق ایران، شماره ۳۳، نشریه فقه و حقوق خانواده
- ۴۲- ناجی زواره، مرتضی (۱۳۹۴)، آشنایی با آیین دادرسی کیفری، جلد دوم، چاپ نخست، تهران، انتشارات خرسندی
- ۴۳- نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۴۰۰)، درآمدی بر سیاست جنایی، چاپ دهم، تهران، انتشارات میزان

۴۴- نجفی توانا، علی (۱۴۰۲)، جرم شناسی، چاپ سوم، تهران، انتشارات آوای حکمت

۴۵- نیازپور، امیرحسین و خواجه‌نوری، یاسمن (۱۴۰۳)، کنشگری پیشگیرانه پلیس در «قانون حمایت از اطفال و

نوجوانان» ۱۳۹۹، دوره ۱، شماره ۲، فصلنامه تحقیق و توسعه در حقوق کیفری و جرم‌شناسی

۴۶- هاشم بیگی، حمید و نجفی ابرندآبادی (۱۳۹۶)، دانشنامه جرم‌شناسی، تهران، نشر گنج دانش

۴۷- یاسین الرکابی، لمیاء (۲۰۱۷)، التشرّد و انحراف السلوک، عمان، دار الجنان للنشر و التوزیع

48- Heather, Shore (1999). Youth and Crime in Early Nineteenth-Century London, The Boydell Press

49- Irfaifeh, Ayed.A (1990). Causes of Juvenile Delinquency in Jordan, Western Michigan University

50- Meng.A & Boden.E (2013). American Juvenile Justice system: History in the making, Adolescent Psychiatry, p.227

51- Merlo, Alida V & Benekos, Peter J (2017). Reaffirming Juvenile Justice From Gault to Montgomery, 1st Edition

References

Abaachi, Maryam (2009), Juvenile Criminal Law in United Nations Instruments, Second Edition, Tehran, Majd Publications (in Persian)

Abbasi, Mojtaba (2015), Juvenile Delinquency, Second Edition, Tehran, Majd Publications (in Persian)

Abdul-Qader, Hamed; Mostafa, Ibrahim; Najjar, Mohammad Ali (2004 AH), Al-Mu`jam Al-Wasit, Al-Shorouk International Library Publications (in Arabic)

Abdul-Latif, Bara' Munther (2009), Criminal Policy in the Juvenile Care Law, Dar Al-Hamed for Publishing and Distribution (in Arabic)

Ahmad Rababah, Asma Mohammad (2024), The Best Interest of Restorative Justice in the Jordanian Juvenile Law, Arab-German Journal of Sharia and Law Sciences, No. 3 (in Arabic)

Al-Dhafiri, Zaid Khalaf (2019), *Alternatives to Detention in the Jordanian Juvenile Law*, Dar Wael Publishing, Alexandria (in Arabic)

Ardabili, Mohammad Ali (2020), *General Criminal Law, Volume II, Fifty-Fourth Edition*, Tehran, Mizan Publications (in Persian)

Ardabili, Mohammad Ali (2015), *General Criminal Law, Volume III, Sixth Edition*, Tehran, Mizan Publications (in Persian)

Ashouri, Mohammad (2000), *Criminal Procedure Law, Volume II, First Edition*, SAMT Publications (in Persian)

Ashouri, Mohammad (2003), *Alternatives to Imprisonment or Intermediate Punishments*, First Edition, Gerayesh Publishing (in Persian)

Ashraf Khaled, Mohammad & Abdul Majid, Tareq (2020), *Guarantees for Juvenile Offenders in the Jordanian Juvenile Law and Principles of International Criminal Justice*, The Legal Journal, Faculty of Law, Al-Isra University, No. 32 (in Arabic)

Danesh, Tajzaman (2014), *Trial of Juvenile Offenders in Comparative Law*, Fifth Edition, Tehran, Mizan Publishing (in Persian)

Elham, Gholamhossein & Borhani, Mohsen (2021), *An Introduction to General Criminal Law (Crime and Criminal)*, Tehran, Mizan Publications (in Persian)

Hashem Beigi, Hamid & Najafi Abrandeabadi, Ali Hossein (2017), *Encyclopedia of Criminology*, Tehran, Ganj Danesh Publishing (in Persian)

Heather, Shore (1999). *Youth and Crime in Early Nineteenth-Century London*, The Boydell Press

Heydari, Masoud (2016), *A Comparative Study of the Age of Criminal Responsibility for Children in Islamic Jurisprudence, International Instruments, and the Islamic Penal Code*, Comparative Research Journal of Islam and the West, Vol. 3, No. 1 (in Persian)

Hosseini, Seyed Mohammad (2020), *Criminal Policy in Islam and in the Islamic Republic*, Tehran, SAMT Publications (in Persian)

Irfaifeh, Ayed.A (1990). Causes of Juvenile Delinquency in Jordan, Western Michigan University

Kashfi, Saeed (2008), The Role of Police in the Trial of Children and Adolescents, Danesh Entezami Quarterly, Vol. 10, No. 1 (in Persian)

Keynia, Mehdi (2018), Fundamentals of Criminology, Volume I, Eighteenth Edition, University of Tehran Press (in Persian)

Khaddar, Hassan Jou (2016), The Law of Juvenile Offenders, Amman, Dar Al-Thaqafa wa Al-Nashr (in Arabic)

Khaleghi, Ali (2019), Criminal Procedure, Volumes I & II, Fortieth Edition, Tehran, Shahre Danesh Legal Publications (in Persian)

Konikshofer, Michael (2003), The Role of the Social Worker in the Juvenile Justice System, Report of the Joint UNICEF and Iranian Prisons Organization Training Workshop for Social Workers, Tehran, 2-4 October 2001 (in Persian)

Labadi, Abdulaziz (2004 AH), Arabic Medical Dictionary, First Edition, Amman, Jordan, Dar Al-Bashir in Arabic)

Lazerges, Christine (2009), An Introduction to Criminal Policy, translated by Dr. Ali Hossein Najafi Abrandeabadi, Tehran, Mizan Publications (in Persian)

Mahmoudi, Zhila (2024), Juvenile Delinquency and Criminal Protections, First Edition, Tehran, Farhikhtegan Ghanoon Yar Institute Publications (in Persian)

Mansour Al-Har, Saleh (2018), Alternative Penalties for Juvenile Crimes and the Effectiveness of Their Application - A Comparative Study, Dar Wael for Printing, Publishing and Distribution (in Arabic)

Mare, Hussein Abdullah (1992 AH), Al-Qamus Al-Fiqhi, First Edition, Beirut, Dar Al-Mojtaba (in Arabic)

Masoumi Varki, Mohsen (2022), Alternative Sentences for Juvenile Offenders, First Edition, Tehran, Zamzemeh Javid (in Persian)

- Mazlouman, Reza (1974), *Criminology*, Tehran, University of Tehran Press (in Persian)
- Mehra, Nasrin (2006), *Laws and Regulations of Iran Regarding Juvenile Offenders: Present and Future*, No. 20 (in Persian)
- Meng.A & Boden.E (2013). *American Juvenile Justice system: History in the making*, *Adolescent Psychiatry*, p.227
- Merlo, Alida V & Benekos, Peter J (2017). *Reaffirming Juvenile Justice From Gault to Montgomery*, 1st Edition
- Moazzami, Shahla (2022), *Juvenile Delinquency*, Thirteenth Edition, Tehran, Dadgostar Publications (in Persian)
- Moazzami, Sh., Bashirieh, T., & Alipour Kivi, H. (2025). Recognition of new response patterns to juvenile delinquency in the law of England with a look at the law of Iran. *Journal of Research and Development in Comparative Law*, (in Persian)
- Mohammadtoubasi, Suhair Amin (2015), *Restorative Justice for Juveniles in Jordanian Criminal Laws*, University of Jordan (in Arabic)
- Mozenzadegan, Hossein Ali (2004), *Special Criminal Procedure for Juveniles in Iranian Law*, No. 33, *Family Jurisprudence and Law Journal* (in Persian)
- Najafi Abrandeabadi, Ali Hossein (2021), *An Introduction to Criminal Policy*, Tenth Edition, Tehran, Mizan Publications (in Persian)
- Najafi Tavana, Ali (2023), *Criminology*, Third Edition, Tehran, Avaye Hekmat Publications (in Persian)
- Naji Zavareh, Morteza (2015), *Introduction to Criminal Procedure Law*, Volume II, First Edition, Tehran, Khorsandi Publications (in Persian)
- Niazpour, A. H., & Khajeh Nouri, Y. (2025). Preventive police actions in the Children and Adolescents Protection Law of 2019. *Journal of Research and Development in Criminal Law and Criminology*, 1(2) (in Persian)

Picca, Georges (2014), *Criminology*, translated by Dr. Ali Hossein Najafi Abrandeabadi, Tehran, Mizan Publishing (in Persian)

Qiyasi, Jalal al-Din; Dehghan, Hamid; Khosroshahi, Ghodratollah (2012), *General Criminal Law of Islam and Statutory Law, Volume I*, Qom, Research Institute of Hawzah and University Publications (in Persian)

Sabooripour, Mehdi & Alavi Sadr, Fatemeh (2015), *The Age of Criminal Responsibility for Children and Adolescents in the Islamic Penal Code (2013)*, *Criminal Law Research Journal*, Vol. 6, No. 1 (in Persian)

Salahi, Javid (2010), *Juvenile Delinquency*, Eighth Edition, Tehran, Mizan Publishing (in Persian)

Shamloo, Bagher (2011), *Criminal Justice and Children*, First Edition, Tehran, Jangal Publications (in Persian)

Shareeda Al-Anzi, Ghassan (2019), *Criminal Responsibility of Juvenile Offenders in Jordanian Law*, Dar Al-Ta'leem (in Arabic)

Sultan, Othman Ahmad (2015), *Criminal Responsibility of Delinquent Children: A Comparative Study*, Technical Institute for Printing and Publishing, Amman, Jordan (in Arabic)

Tavakoli, Abdolali (2017), *Pathology of the Islamic Penal Code (2013)*, Third Edition, Judiciary Publications (in Persian)

Yasin Al-Rikabi, Lamia (2017), *Homelessness and Behavioral Deviance*, Amman, Dar Al-Jinan for Publishing and Distribution (in Arabic)

Zermatten, Jean (1999), *Juvenile Justice - Practical Lessons*, translated by Hamid Marashi, Collection of Lectures Presented in Training Workshops in Sion, Switzerland (in Persian)